

جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی هزاره‌های پیش از میلاد**

چکیده:

پیدایش نظامهای سیاسی در بین‌النهرین و علاقه‌مندی به توسعه زمینی و دریایی سبب شناخت بیشتر جزایر و بنادر خلیج فارس و توسعه فنون کشتی‌سازی و دریانوردی با بهره‌گیری از دستاوردهای ملتهای دیگر شد. تأسیس شرکتهای تجاری و مهاجرنشینهای اقتصادی، توانمندی زراعی بین‌النهرین و نیاز شدید به واردات برخی کالاها به‌ویژه سنگها و کانیهای فلزی، پیدایش تمدنهای ماقبل آریایی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس و سواحل جنوب شرقی ایران و چند عامل دیگر سبب رونق و بالندگی این منطقه شد. راههای بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان به دریای سرخ، زمینه‌ساز ارتباط میان جنوب آسیا، بین‌النهرین و هندوستان با آفریقا بود و این ارتباطها سبب اثرپذیری فرهنگی در نتیجه گسترش بازرگانی، دادوستد مستقیم و مهاجرنهای انسانی گردید. مجموعه این دگرگونیهای اقتصادی سبب شد شرق و جنوب شرقی ایران از هزاره چهارم پ.م. به یکی از مراکز پیدایش تمدن در جهان تبدیل شود.

کلید واژه: ایران باستان، بین‌النهرین، خلیج فارس، دریای عمان، روابط اقتصادی، کشتیرانی، راههای دریایی، کالاهای تجاری.

مقدمه

هنگامی که نخستین تکاپوهای سازمان‌یافته و هدفمند سیاسی و اقتصادی بشر آغاز شد، حوزه خلیج فارس و دریای عمان، جایگاه ممتاز خود را نشان داد. تمدنهای بین‌النهرین که بیشترین شالوده‌های تمدن جهان را پدیدار ساختند، ارتباطی تنگاتنگ با این مرزهای دریایی داشتند. آنان می‌بایست جزو نخستین گروه‌های انسانی باشند که به ارزش تجارت و روشهای توسعه آن پی بردند.

پیش‌رفتگی آب دریا در هزاره‌های پیش از میلاد و مجاورت بسیاری از سرزمینهای پسابندر و دور از ساحل امروزی با کرانه‌های خلیج فارس؛ پیدایش نظامهای سیاسی در بین‌النهرین و علاقه‌مندی به توسعه زمینی و دریایی که به شناخت بیشتر جزایر و بنادر این منطقه منجر می‌شد؛ توسعه فن کشتی‌سازی و دریانوردی با بهره‌گیری از دستاوردهای ملتهای دیگر؛ شناخت راههای بازرگانی زمینی و دریایی؛ تعامل با مراکز اقتصادی برجسته هاراپا و موهنجودار و هند، ماگان، ملوخی و دیلمون؛ روابط تجاری با سواحل دوردست اقیانوس هند تا افریقای شرقی؛ وجود بخشهای وسیع بازرگانی بومی و خارجی در منطقه؛ تأسیس شرکتهای تجاری و مهاجرنشینهای اقتصادی با شعبه‌های مرتبط با یکدیگر در مناطق گوناگون؛ توانمندی زراعی بین‌النهرین و نیاز شدید به واردات برخی کالاها به‌ویژه سنگها و کانیهای فلزی؛ پیدایش تمدنهای ماقبل آریایی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس و سواحل جنوب شرقی ایران؛ ارتباط تجاری و پیوستگی فرهنگی نزدیک مناطق پسابندر ایران مرکزی و داخلی با فعل و انفعالات دریای جنوب که برخی از این مراکز تمدنی جهان باستان از لحاظ قدمت مدنیت هم‌تراز و یا حتی کهن‌تر از هم‌نوعان خود در بین‌النهرین بودند و نقش ترازیت و واسطه‌ای خلیج فارس که بسیاری از مردم آن با استفاده از مکانهای باراندازی و بارگیری در توزیع کالاها به سرزمینها و بازارهای تقاضا شرکت فعال داشتند، از عوامل این رونق و بالتندگی بود.

حضور درخشان خلیج فارس و دریای عمان در روابط بین‌الملل هزاره‌های کهن، مرکز ثقلی برای پیوندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع مختلف جهانی و محل التقاطی برای رشد و نمو اندیشه‌های تکاملی نو پدیدار کرد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا قدمت اهمیت این

حوزه آبی استراتژیک را نشان دهد.

خلیج فارس در نتیجه فعل و انفعالات پایان عهد میوسن و عهد پلیوسن از دوران سوم زمین‌شناسی که سبب پیدایش کوههای زاگرس و رشته کوههای جنوبی ایران و فلات ایران شد به وجود آمد و پیش از این دوره به صورت زبانه باریکی بود.

براین اساس در عهد پلیوسن، واپسین عهد از دوران سوم زمین‌شناسی و نزدیک‌ترین عهد به دوره چهارم یا فعلی، بر اثر پیدایش زاگرس در قسمت غرب فلات ایران و فرورفتگی در جنوب فلات ایران، آب اقیانوس هند از راه دریای عمان به سوی غرب سرازیر شد و در دنباله فلات ایران، خلیج فارس را ایجاد کرد.

قسمت جنوبی خلیج فارس یا شبه جزیره عربستان دارای نشانه‌هایی از عهد کامبرین از دوران نخست زمین‌شناسی است که هیچ گونه ارتباطی با عهد پلیوسن و یا دوران سوم زمین‌شناسی ندارد. تنها سرزمین عمان از شبه جزیره عربستان است که بر اثر فشارهای جانبی، در میانه‌های عهد کرتاسه از دوران دوم زمین‌شناسی دگرگونی یافت و بعدها بر ارتفاعش افزوده شد.

(مسترلی، ج ۱، ۱۳۴۱، ص ۲۰۹؛ کیهان، ۱۳۴۱، ص ۱۰؛ کامران مقدم، ج ۲، ۱۳۵۶، ص ۳-۴).

خلیج فارس در آغاز شکل‌گیری وسعت بیشتری داشت و تا پایان دوره سوم زمین‌شناسی بخشهایی از خشکی جلگه‌های فعلی خوزستان، بهبهان، بوشهر و برازجان را در بر می‌گرفت.

(پیرنیا، ج ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۴۳).

براساس تحقیقات پروفیسور روبرت آدامز در سالهای ۴۰-۱۳۳۹ش. دهانه خلیج فارس در هزاره اول پیش از میلاد بسیار شمالی‌تر از موقعیت حاضر بود* (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۲۶) چنانکه در روزگار سومریان خلیج فارس از کرانه کنونی تا حدود ۲۰۰ کیلومتر به سوی شمال پیشروی

* در نیمه نخست سده نوزدهم هرمز درسام، باستان‌شناس ترک، با اکتشافات ناحیه العبید بین النهرین مربوط به ۴۳۰۰ تا ۳۴۰۰ ق.م برای نخستین بار این نظریه را مطرح کرد که ساحل خلیج فارس در ۲۰۰۰ ق.م، ۲۰۰ کیلومتر جلوتر از کرانه امروزی آن بوده است و رودخانه‌های دجله و فرات به صورت جداگانه به خلیج فارس می‌ریختند.

داشت. (جورج ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵) این روند از هزاره چهارم تا هزاره پیش از میلاد ادامه یافت (کازادان، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۱۷۴) و سبب شد بسیاری از مناطقی که امروزه پس بندر و دور از دریا هستند در کنار خلیج فارس قرار بگیرند و به شکل بنادر دریایی درآیند. شهر اریدو در بین‌النهرین که هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ کیلومتر از خلیج فارس فاصله دارد در ۶۵۰۰ ق.م بخشی از مناطق کرانه‌ای بود. (ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵).

در متنهای سومری آمده است، هنگامی که سراسر منطقه را آب فرا گرفته بود، اریدو بنا نهاده شد. در آثار برجای مانده از دوره سلسله‌های سوم اور می‌خوانیم که شولگی پسر اوانامو به شهر اریدو که در کنار دریا واقع است علاقه بسیاری داشت. ساکنان نخستین اریدو صیادانی ماهر بودند و بخشی از درآمد و تغذیه آنان بدین گونه فراهم می‌شد. کشفیات باستان‌شناسی گونه‌هایی از نوعی نرم‌تن و به احتمال زیاد نوع ویژه‌ای از حلزون را جزو خوراکیهای این منطقه نشان می‌دهد. (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۲).

بررسی انسان‌شناختی نخستین خلیج فارس و دریای عمان، دیدگاههایی متفاوت را بیان می‌کند. پاره‌ای دیدگاهها، اصل مردم خلیج فارس را به درهم‌آمیزی سه شاخه از نسل انسان باستانی در کرانه‌های این دریا در هزاره دهم پیش از میلاد می‌رساند. این سه شاخه عبارت بودند از دراویدیان کرانه‌های دریای عمان یا مکران که با بلوچه‌های فاتح درهم آمیختند، سامی‌نژادان داخل شبه‌جزیره عربستان که حامی‌نژادان یا سیاهان یومی را شامل می‌شدند و عیلامیان (ایلام) جنوب غربی ایران. برخی منابع نیز به اسکان گروههای سومری، فنیقی و بابلی در این منطقه اشاره دارند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۶، ص ۳۶).

بررسی نژادی مناطق جنوب شرقی ایران و کرانه‌های جنوبی تنگه هرمز و سرزمین عمانات نوعی نزدیکی و همگونی را در نژاد دراویدی نشان می‌دهد که با چهره سیه‌چرده، موی صاف و سرگرد به احتمال زیاد از سرزمین هند مهاجرت کرده بودند. (فرای، ۱۳۶۸، ص ۴۵ و ۱۳) اکتشافات باستان‌شناسی بیان‌کننده انحطاط آنان به دست اقوام آریایی و سپس مهاجرت سامی‌ها به این منطقه است. (نفسی، ۱۳۴۲، ص ۴).

در پایان دوره پلوویال مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش، اقوامی با سرهای کشیده در سواحل

مقاله ● جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی... / ۵

خلیج فارس استقرار یافتند که براساس پاره‌ای دیدگاهها، نخست در آسیای مرکزی ساکن بودند. (نشأت، ۱۳۴۴، ص ۳۰). مردم سواحل متصل یا جنوب خلیج فارس را انسانهای ماهی خوار* نیز می‌نامند که حکایت از وابستگی آنان به دریا دارد. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

بین‌النهرین، جایگاه نخستین شالوده‌های تمدن بشری، در زمینه مسائل سیاسی و اقتصادی خلیج فارس و دریای عمان حرکت‌های آغازین را انجام داد. تمدنهای بین‌النهرین و ایران ساحلی و داخلی، کوششهایی فزاینده در شناخت هر چه بیشتر جزایر و بنادر خلیج فارس و چگونگی بهره‌وری از آن داشتند. آشوریان، خلیج فارس را درکهن‌ترین اثر برجای مانده، نارموتو یا رودخانه تلخ می‌نامیدند. (مشکور، ۱۳۵۵، ص ۱۴۶). بابلیها به عنوان قدیم‌ترین اقوامی که به مطالعه کره زمین پرداختند، آن را مسطح فرض می‌کردند که رودخانه آب شور یا تلخ (نارموتو) آن را احاطه کرده بود. نقشه‌های آنان از سلسله سوم بابلی اور نشان می‌دهد که هشت جزیره به صورت مثلث یا پره‌ای ستاره‌مانند در دریای شور قرار دارد. هر کدام از این هشت ستاره یک نگو یا یک منطقه محسوب می‌شد. (بلک، گرین، ۱۳۸۳، ص ۳-۹۲؛ مجتهدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۵؛ بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶؛ مجله دانشمند، ۱۳۶۱، ص ۹۰). اوستا، کهن‌ترین سرودهای مذهبی آریایی‌ها که می‌تواند آگاهی‌هایی در مورد مسائل مختلف تاریخ نخستین ایران و تمدنهای مجاور آن عرضه دارد (رضی، ۱۳۵۷، ص ۱۲). به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند اشاره کرده و ارتباط مردم ساکن فلات ایران را با این مرزهای دریایی نشان داده است.

در ادبیات دینی و جغرافیای اساطیری ایران، دریای فراخکرد، اقیانوس هند است و دو شاخه فراخکرد، خلیج بنگال در شرق و دریای سرخ در غرب است. دو دریای پوئیدینگ و سدویس به ترتیب خلیج فارس و دریای عمان‌اند. براساس متنهای مذهبی به هنگام آفرینش جهان، شش دریا شکل گرفتند که در این میان دریای پوئیدینگ (خلیج فارس) در جنوب قرار گرفت. میان این دریا و دریای فراخکرد (اقیانوس هند) دریای سدویس (دریای عمان) به وجود آمد و پوئیدینگ از طریق این دریا به فراخکرد راه یافت. (بهار، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۱۰۶ و ۱۰۳).

در فرگرد پنجم، بخش چهارم از اوستا آمده است:

«که تو ای اهورمزدا، آن آبها را به دریای پوئیدیک بازمی‌گردانی؟ اهورمزدا پاسخ داد: آری ای زرتشت چنین است که تو گفتی. من اهورامزدا، آبها را به دریای پوئیدیک بازمی‌گردانم. در آنجا آبها به جوش و خروش درمی‌آیند. در دل دریای پوئیدیک به جوش و خروش درمی‌آیند و هنگامی که از آلاش پالوده شوند، دیگر باره به دریای فراخ کرد روی می‌آورند». (دوستخواه، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۷۰۶-۷۰۷).

شناخت مرزهای خلیج فارس و دریای عمان، همراه با افزایش توانمندی اقتصادی و پیشرفت مؤسسات تمدنی سرزمینهای مجاور آن به‌ویژه ایران و بین‌النهرین، تکاپوهای بازرگانی را در این حوزه استراتژیک توسعه داد؛ تریبی که از دوران بسیار کهن اما در فرایندی تدریجی صورت گرفت.

ساکنان بین‌النهرین از حدود هزارهٔ دهم پیش از میلاد حرکتهایی را برای تکامل اقتصادی از شکار و جمع‌آوری خوراک گرفته تا دامداری و اهلی کردن حیوانات و استفاده از درختها انجام دادند. از هزارهٔ هفتم پیش از میلاد استفاده از فلز مس رواج یافت و از هزارهٔ ششم، ذوب مس و سرب به صورت گسترده انجام گرفت. در پایان هزارهٔ پنجم پیش از میلاد قالب‌ریزی و ساخت قطعات و ابزار گوناگون توسعه یافت.

سفالگری و استفاده از چرخ کوزه‌گری که از هزارهٔ ششم پ.م با ابداع سفالهای تیره رنگ آغاز شده بود، در پایان هزارهٔ چهارم پ.م همه‌گیر شد. (مک‌کال، ۱۳۷۵، ص ۴۳).

از هزارهٔ چهارم پ.م اقتصاد روستایی با زراعت در سطوح بالا و امکانات شایسته برای نگهداری از شهرهای کوچک و به‌تدریج شهرهای بزرگ شکل گرفت. (مالروان، ۱۳۷۲، ص ۳).

بین‌النهرین از نظر طبیعی برای زندگی شهرنشینی بسیار مناسب بود. جلگه‌های وسیع، هموار و مستعد برای کشاورزی، امکان فراهم آوردن غذای فراوان، ذخیرهٔ مطمئن گندم و جو، دامداری و وجود گوشت کافی، ماهیگیری و شکار پرندگان وحشی ضمن تسهیل شهرنشینی و اجتماعات یکجانشین، افزایش جمعیت منطقه را از دورهٔ ماقبل تاریخ به همراه داشت. (همان).

بین‌النهرین جنوبی که روابطی تنگاتنگ با بنادر خلیج فارس داشت در نتیجهٔ وجود

آبرفت‌های حاصل از رودخانه‌های دجله و فرات و وجود شبکه منظم آبیاری، سرزمینی حاصل خیز بود و می‌توانست نیازهای غذایی جمعیتی انبوه را در دوره‌های کهن باستان برطرف سازد. کشت گندم، جو، عدس، کتان، کنجد و تهیه روغن آن، کشت نخلها و ارزن به صورت فراوان و همه‌گیر صورت می‌گرفت. (کازادان، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸). کشت گونه‌ای ویژه از گندم به نام گندم سرخ یا شعیر ابلیس عمومیت داشت (چابلد، درآمدی کوتاه بر باستان‌شناسی، ۱۳۶۸، ص ۷۵) و کلدانیها صاحب باغهایی بزرگ نخل بودند که با مجموعه کانالهای آبیاری از رودخانه‌های دجله و فرات سیراب می‌شدند. (سویشر، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸).

هرودوت ضمن اشاره به کشت محصولات انجیر، انگور و زیتون در این مناطق، از حاصل خیزی زمینهای بین‌النهرین یاد کرده است که هر بذر گندم در مرحله برداشت، بیش از ۲۰۰ برابر محصول می‌داد. (هردوت، ۱۳۵۷، ص ۹۴-۹۵). پلینی، دیگر تاریخ‌نگار یونانی، نیز از برداشت دوبار محصول در سال در این منطقه خبر داده است. (ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۰۰).

دامداری با پرورش گاو و گاو میش، گوسفند، بز، الاغ و انواع ماکیان چون اردک و غاز بخشی دیگر از زندگی اقتصادی مردم بین‌النهرین مجاور خلیج فارس را در روزگار دیرین باستان تشکیل می‌داد. (مک‌کال، ۱۳۷۵، ص ۴۰).

دریانوردان باستانی خلیج فارس و دریای عمان که در سواحل جنوب شرقی آفریقا لنگر می‌انداختند بیشترین بخش محصولات زراعی و دامی بین‌النهرین را از راه جنوب غربی حجاز و شرق آفریقا به قاره سیاه منتقل می‌کردند. (زربو، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۱۱). گندم و جو، سیب‌زمینی هندی موسوم به لوف، ذرت خوشه‌ای، ارزن هندی و شاید موز و نیشکر از این نمونه‌اند. (همان، ص ۵۱۰-۵۱۱). ساخت انواع ارابه و سورتمه‌های گوناگون و استفاده از گاوآهن ترتیب تولید محصولات زراعی و نقل و انتقال آن را آسان کرد. در این جامعه رو به رشد به آرامی اصنافی گوناگون مانند حجاران، سفالگران، زرگران، عطاران، آبجوسازان، شیرینی‌پزان، نانویان، بافندگان و ابزارسازان شکل گرفت و زمینه را برای تجارتهای کلان به‌ویژه در زمینه بازرگانی خارجی مهیا ساخت. ثروت حاصل از انباشته شدن مازاد محصول کشاورزی، سبب ایجاد مراکز شهری پرجمعیت شد. (مک‌کال، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲).

سرزمین بین‌النهرین با وجود قابلیت‌های فراوان زراعی، از لحاظ کانیهای زیرزمینی به‌ویژه سنگها کمبود داشت. (کوروفکین، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱). این امر تمدنهای منطقه را به توسعه هر چه بیشتر فعالیت‌های بازرگانی با استفاده از بنادر خلیج فارس و دریای عمان متمایل می‌کرد.

سومریان که دست‌کم تا پایان هزاره چهارم پ.م در زمینهای هموار جنوب بین‌النهرین و شمال غربی خلیج فارس سکونت داشتند، شاید جزو نخستین ملت‌هایی باشند که به ارزش تجارت و روشهای توسعه آن پی برده بودند. (پاول تاد، ۱۳۴۲، ص ۶۱).

شهرهای سومر به‌ویژه اور، اریدو، کیش، لاگاش و نیپور از هزاره چهارم پ.م مرکز تجارت دریایی و کاروانهای بین‌المللی شدند. بازرگانان سومری با شهرهای ثروتمند جهان باستان از راه خلیج فارس در ارتباط بودند. (بهنش، ۱۳۶۹، ص ۸۸).

خطوط آبی مواصلاتی حاصل از انشعاب و کانالهای رودخانه‌های دجله و فرات، همه بین‌النهرین جنوبی و شهرهای داخلی آن را به کرانه خلیج فارس متصل می‌ساخت و برای تجارت و آسانی نقل و انتقال زمینه‌ای مناسب مهیا می‌کرد. در نهرها و کانالها نخستین قایق‌های کوچک و سبک در آموشد بودند و محصولات کشاورزی و دیگر نیازمندیها را جابه‌جا می‌کردند و یا به بازارهای مصرف می‌رساندند. به تدریج کانالهای مخصوص کشتیرانی ساخته شد. سومریان رود فرات را بورانونا و دجله را ایدیگنا می‌نامیدند. (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۳).

دجله پرآب و تند و فرات کم‌آب و آرام و دارای سواحل پست بود و برای کشتیرانی زمینه‌ای مطلوب به وجود می‌آورد. کانالهای منشعب از دو رود یاد شده، زمینه اتصال بخشی عمده از شهرهای بین‌النهرین را که حتی دور از سواحل خلیج فارس بودند ایجاد می‌کرد، زیرا بیشتر بخشهای مسکونی بین‌النهرین در نزدیکی رودخانه‌های دجله و فرات قرار داشت. (نشأت، ۱۳۴۴، ص ۲۰۵).

بقایای این گونه کانالها که فرات را به شهر اریدو در کنار خلیج فارس مرتبط می‌ساخت کشف شده است. (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۳). در شهر بابل که رود فرات از میان آن می‌گذشت با حفر چنین کانالهایی از امکانات کشتیرانی استفاده می‌کردند. نبوکدنصر نیز با

مقاله ● جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی... / ۹

لایروبی و ایجاد ترعه، فرات را از مصب آن در خلیج فارس تا پستاکوس (قلعه دبس کنونی) برای حرکت کشتیهای کوچک و بزرگ آماده کرد. (دورانت، ج ۱، ۱۳۳۷، ص ۲۴۳).

با وجود این، بروز پاره‌ای از مشکلات چون رسوب رودخانه‌ها در سواحل خلیج فارس و ایجاد باتلاقهای فراوان، قطع راههای ارتباطی در فصلهای طغیان رودخانه‌ها و نبود امکان استفاده از کشتیهای بزرگ در این گذرگاهها، دولتمردان سومر را هر چه بیشتر متوجه شهرهای کرانه‌ای و ساحلی خلیج فارس و کوشش برای ساخت بندرهای جدید می‌کرد. (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۸۸). توسعه زمینی قلمرو سومر و دسترسی به آبراههای مهم جهان از خلیج فارس تا محدوده مدیترانه و دریای سرخ، این امر را تشدید کرد.

در کتیبه مکشوفه در نیپور آمده است که مرزهای امپراتوری سومر در شهر ارخ به دریای پایین‌تر «خلیج فارس» تا بالاتر «مدیترانه یا دریای سرخ» منتهی می‌شد. (ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۰۶). همراه با توسعه و ساخت بندرها، فن کشتی‌سازی و روشهای دریانوردی نیز در منطقه توسعه یافت. از اوایل هزاره چهارم پ.م نقش کشتی و قایق به شکلهای گوناگون بر مهرهای مکشوفه نقش بسته است.

بر مهر کشف شده از منطقه چغامیش، نقش شخصی دیده می‌شود که فرمانروا یا سردار فاتحی است و از درون کشتی، سر طنابی را که دو اسیر به آن بسته شده‌اند به دست گرفته است. مهر استوانه‌ای دیگری در شوش به دست آمده که صحنه آن دو قسمت است، در قسمت بالا خدای کشتی به صورت انسانی در کنار بز کوهی و شاهین قرار دارد. در قسمت پایین، خدای کشتی که حامی کشتی‌رانان است، درون کشتی ایستاده است. کشتی به شکل اندام ماهی است و سکان آن شبیه نیم تنه انسان است که تاج شاخدار بر سر دارد. در چند مهر مکشوفه دیگر، کشتیهایی از تنه درخت یکپارچه منقوش است. (بیانی، ج ۱، ۱۳۶۳، ص ۴۵۰۴۶).

نقش ماهی و صیادان نیز از هزاره چهارم پ.م بر مهرها پدیدار است. نقش ماهی در کنار رودخانه با ساحلی از درختان انبوه، صیادان برهنه در برگشت از صید و حمل ماهی از قایقها، حمل ماهیهای بزرگ با دو دست، حمل طشت یا سبد ماهی بر سر، صیاد با قایق در پی صید ماهی، استفاده از چنگک و تور ماهیگیری و قلاب، پارو زنی و تورهای پر از ماهی صید شده،

نمونه‌هایی از تصویرهای نقش بسته بر مهرها هستند. ماهی مظهر خدای رودخانه و مرداب بوده است. (همان، ص ۸۰-۸۱-۷۹).

فن کشتی‌سازی در هزاره‌های پیش از میلاد در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در یک ترتیب تدریجی، توسعه و تکامل یافت. اسطوره آفرینش و داستان طوفان که بخشی از کهن‌ترین متناهای ادبی بین‌النهرین به شمار می‌رود، نمادی از آشنایی این ملتها با ساخت کشتی است:

«خدای آ می‌گوید به اوت پنشتیم، خانه‌ات را برچین و یک قایق بساز.»

(مک‌کال، ۱۳۷۵، ص ۶۶).

مردم پیرامون آنها نخست از تنه بدون شکل درختان یا پاره‌چوبی به عنوان قایق بهره می‌گرفتند. (ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۳۱). مهرهایی با شکلهای قایقهایی که از کنده درختان ساخته شده‌اند در ایران به دست آمده است. (بیانی، ۱۳۶۳، ص ۴۶). به تدریج تنه درختان تهی گشته و برای حمل انسان، کالا و دام مناسب گردید. (ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۳۱).

در بین‌النهرین و مصر از قایقه‌های سبکی شکل که با نی مرداب یا الیاف نخلها بافته و با قیر اندود می‌شد، استفاده می‌کردند. قایقهایی نیز از پوست ساخته می‌شد که شبکه‌ای توری مانند از ترکه‌ها و جگن آن را محافظت می‌کرد. (اوتس، ۱۹۹۰، ص ۴۹؛ ولز، ۱۳۶۵، ص ۲۵). هرودوت از قایقه‌های گرد و دایره‌وار از پوست خام در آبهای بابل یاد می‌کند که در ارمنستان در شمال آشور ساخته می‌شد و برخی از آنها توانایی حمل چهارده تن بار را داشت. (هرودت، ۱۳۵۷، ص ۹۵).

استفاده از تنه به هم پیوسته چند درخت نخل یا توده‌ای از چوبهای خرما که با الیاف نخل یا نارگیل به یکدیگر متصل می‌شد، وسیله‌ای دیگر برای حرکت در آب و به‌ویژه صید محلی ماهی بود. (نشأت، ۱۳۴۴، ص ۳۱).

برای حرکت و رانش کشتی از پارو و یا تیرهای چوبی بلند بلم‌رانی استفاده می‌شد. گاه با استفاده از نیروی انسانی و یا نیروی کششی حیوانات از جمله گاو و گاو میش قایقها را در طول ساحل به حرکت در می‌آوردند. (سویشر، ۱۳۸۳، ص ۴۲). سومریان استفاده از نیروی باد و کشتیهای بادبانی را می‌شناختند. (همان، ص ۳۱). افزون بر کشتیهای بادبانی بزرگ، قایقهای کوچک نیز از بادبانهای کوچک و چهارگوش برای حرکت در آبهای کم عمق ساحل خلیج فارس و فاصله‌های

کوتاه بهره می‌جستند. (هارلی، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

نقش کشتیهای بادبانی بر روی یکی از مهرهای استوانه‌ای شکل عصر گودیا مربوط به ۲۴۰۰ پ.م بین‌النهرین یافت شده است. (نشأت، ۱۳۴۴، ص ۲۵). توسعه فن کشتی‌سازی خلیج فارس در هزاره‌های پیش از میلاد در تعامل با دولت دریایی فنیقی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن تسهیل شد. فنیقی‌ها ملتی دریانورد بودند که به‌ویژه از هزاره اول پ.م تسلط بی‌مانندی بر تجارت دریاهای جهان داشتند. (Frank Alweis and others; 1964, p.106).

آنان بیشتر نقل و انتقال کالاهای کمیاب و گرانتیمت چون طلا، نقره، برنز، احجار کریمه، آبنوس، چوب الوار، عاج آلات، بخور و عطریات را در جهان باستان انجام می‌دادند. (هارتمن، ۱۳۸۰، ص ۸۸).

فنیقیها خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند را به‌خوبی می‌شناختند. براساس برخی دیدگاهها اقوام اولیه فنیقی نخست در منطقه خلیج فارس ساکن بودند و سپس به شامات و لبنان مهاجرت کردند. (زرین‌قلم، ۱۳۲۷، ص ۸-۴۷).

کتیبه‌های برجای مانده مکشوف در بین‌النهرین تعامل و تقابل با منطقه فنیقی به منظور بهره‌گیری از توان دریایی آنان را نشان می‌دهد. سن‌آخرب، پادشاه آشور (۷۰۵-۶۸۱ پ.م) جمعی از کشتی‌سازان فنیقی را به نینوا فراخواند تا کشتیهای بزرگ و قدرتمند تهاجمی بسازند. سپس این ناوگان از راه ترعه‌های آبی داخل خشکی به دهانه فرات حمل شد. سپاهیان آشوری با این ناوگان به دهانه رودخانه اولای (کارون) و سپس خلیج فارس منتقل شدند تا با حمله‌های آبی و خاکی، سیاست گسترش زمینی و دریایی امپراتوری آشور را جامعه عمل پوشانند. (سویشر، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۱۲).

سه نمونه از کشتیهایی که استادان فنیقی در منطقه خلیج فارس به کار می‌بردند، در نقوش برجسته آشوریه در نینوا و خورس آباد یافت شده است:

۱. کشتیهای جنگی که پشتی محدب و وسیله‌ای برای شکستن پهلوی بحریه دشمن داشتند و از دکل بادبانی و پارو برای رانش آن استفاده می‌شد.
۲. کشتیهای تجاری که جلو و عقب آنها محدب بود و به طور معمول از دکل بادبانی استفاده

نمی‌کردند.

۳. کشتیهای کوچک‌تر با پشتی محدب و سینه‌ای به شکل سر اسب که برای حمل کالاهای درجه دوم استفاده می‌شد. (موسکاتی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱).

نوعی ویژه از قایقهای سومری بزرگ که دارای برآمدگی در جلو و عقب بود، بیشترین کاربرد، محبوبیت و عمومیت را در خلیج فارس و ترعه‌های متصل به آن داشت و همواره در حال رفت و آمد و حمل کالاهای گوناگون به ویژه الوار و سنگها بود. (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۴۶).

با توسعه فن کشتی‌سازی، دریانوردان و بازرگانان خلیج فارس باستان توان پیمودن مسافتهای طولانی، گاه تا بیش از سیصد مایل را داشتند. (پاول تاد، ۱۳۴۲، ص ۹۱). نیاز جامعه بین‌النهرین به واردات و صادرات انواع و اقسام کالاها سبب افزایش اعتبار و اهمیت صنفا تاجران و بازرگانان شد. دربار و دولت‌شهرها همواره از بازرگانان حمایت می‌کردند. (مک‌کال، ۱۳۷۵، ص ۴۴-۴۵). تجارت عمده به دو صورت تجارت درون‌شهری - برون‌شهری و تجارت خارجی انجام می‌شد. (همان، ص ۴۵). در این میان بازرگانان مهاجر یا خارجی که در سواحل خلیج فارس و دریای عمان اقامت می‌کردند، اهمیتی فراوان داشتند. گروهی از این تاجران با استفاده از کشتیهای بادبانی با مراکز مهم و بازارهای عمده خلیج فارس و دریای عمان و فراسوی آن تا دهانه سند در ارتباط و داد و ستد بودند. این بازرگانان مازاد گندم، جو، خرما، منسوجات، دام و ابزار بین‌النهرین را با مواد خام همانند چوب، سنگ ساختمان، احجار کریمه چون سنگ لاجورد، سنگ صابون، ابزار و اشیای مسی، عاج و غیره مبادله می‌کردند و کالاهای مورد نیاز را به بندرهای خلیج فارس و دریای عمان می‌فرستادند. (ماهری، ۱۳۶۹، ص ۲۴۹).

در بررسی تجارت خلیج فارس و دریای عمان در هزاره‌های پیش از میلاد، مناطق سند و ایندوس، ماگان (مکن، ماجان) ملوخته (مالوخته، ملوخته) و دیلمون (تیلمون، نی دوک کی) اهمیتی فراوان دارند. شناخت دانشمندان از کارهای اقتصادی میان این مراکز با کانونهای اقتصادی خلیج فارس متکی بر متنهای تاریخی و گل‌نشته‌های سومری است. (ایروانف، ۱۳۵۹، ص ۳۵). کشف تمدن هاراپا در ۱۹۲۱ و موهنجودارو در سال ۱۹۲۴ گامهایی مؤثر در شناسایی بیشتر این دادوستدها و ارتباطات اقتصادی فرهنگی بود.

در آثار مکشوفه بین‌النهرین از سرزمین آن سوی خلیج فارس یاد شده است که کشتیهای طلا، عاج و سنگهای آبی از آنجا می‌آمدند. این سرزمین باید موهنجودارو در شبه‌قاره هند باشد. * (Alweis, 1964, p.77).

نمونه‌هایی گوناگون از این همکاری و اثرپذیری متقابل در کشفیات باستان‌شناسی نمودار شده است. مهرهای هاراپایی هندی که در مناطق سوتل و تل اسمار و دیگر زیست‌گاههای سومری کشف شده (کلاری، ۱۳۷۹، ص ۳۵۶)، دارای مضامینی مشخص از فرهنگ دره سند است. نقش گاو نر یک شاخ با آخور و خطوط تصویری متعلق به زمان حکومت سارگن و دوره‌های پس از آن (منول، ۱۳۶۹، ص ۲۶) و شکل‌های مار تاجدار موسوم به مهرهای نگا** (دورانت، ج ۲، ص ۵۷۹) از این نمونه نقشینه‌هاست.

کشف گونه‌هایی دیگر از مهرها، لباسها و تولیدات کتان هندی در سومر و اور، گواه روابط گسترده میان این دو منطقه دوردست جهان باستان از راه خلیج فارس و دریای عمان است. (Alweis, 1964, p.78). همچنین تعدادی از مهرها و دست‌ساخته‌ها و تولیدات بومی منطقه بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس در مراکز تمدنی هند کشف شده است. (Ibid).

توسعه کشتیرانی در خلیج فارس روابط دوجانبه را گسترش می‌داد. (سالوان، ۱۳۷۲، ص ۱۱-۱۲). بسیاری از تاجران هندی به صورت مهاجر در شهرهای سومر زندگی می‌کردند و دریانوردان هندی و مردم بین‌النهرین از کشتیهای همگون و مشابه استفاده می‌کردند. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۱).

دانشمندان پیشرفت بخشی از تمدن دره سند را نتیجه تعامل آن با تمدنهای بین‌النهرین و خلیج فارس می‌دانند. (Alweis, 1964, p.78). آغاز تمدن شهرنشینی با توانایی نوشتن در دره سند، هنگامی بود که با دولت‌های مجاور خلیج فارس و دریای عمان، مناطق ساحلی مکران یا بلوچستان، جنوب ایران و بین‌النهرین ارتباطی گسترده برقرار کرد. براساس جدول گاهشماری بین‌النهرین این رویدادها به طور مشخص با دوره اکادی قدیم و مرحله سوم اور همزمان است.

* برای اطلاعات بیشتر درباره تمدنهای هاراپا و موهنجودارو به بخش کتابنامه لاتین مقاله نگاه کنید.

(ملک شه میرزادی، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۸۱).

در پایان هزاره سوم پ.م آغاز و گسترش تجارت دریایی با هند از راه خلیج فارس نشان‌دهنده جابه‌جایی تجارت از راه خشکی شمال به مناطق کرانه‌ای آبی جنوب است. پیدایش گروه‌های نژادی جدید در شمال ایران و در پی آن‌گندی و یا توقف مبادلات تجاری از راه مناطق شمالی می‌تواند یکی از دلایل جابه‌جایی مراکز داد و ستد باشد. در آغاز هزاره سوم پ.م ترک کردن پایگاه‌ها در شمال بلوچستان و گسترش فرهنگ هاراپایی در امتداد کرانه‌های دریای عمان به سوی جنوب شرقی (هندوستان) و غرب تا مرزهای ایران، چنین نظریه‌ای را تقویت می‌کند. (مغول، ۱۳۶۹، ص ۲۵۶). تقابل سومریان دوره جمدهت نصر (۳۱۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م) و دیگر تمدنهای بین‌النهرین با مهاجمان عیلامی در روزگار نخستین پیدایش آنان که استفاده از راه‌های بازرگانی زمینی را دشوار ساخت، به تجارت مستقیم با مناطق دوردست از راه آبراه‌های جنوبی اهمیت بیشتری بخشید. (ولی‌پور، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

ملوخه (ملوخ - ملوخوا) از دیگر مناطقی بود که در کتیبه‌های بین‌النهرین باستان به آن اشاره شده است که بخشی از زنجیره بازرگانی دریایی خلیج فارس را در هزاره‌های پیش از میلاد تشکیل می‌داد. در بازشناسی محل دقیق این تمدن آرای گیوناگون مطرح شده است. امروزه پژوهشگران ملوخه را با تمدن دره سند (ریاضی، ۱۳۷۴، ص ۴۸)، سرزمینی در شرق بین‌النهرین و به احتمال زیاد در دهانه دره سند و شرق دریای عمان و یا مناطق جنوب شرقی ایران، بلوچستان تا منطقه بدخشان و کرانه‌های دریای عمان تا شرق خلیج کامبی (مجیدزاده، پیکره‌های سومری...، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳ مغول، ۱۳۶۹، ص ۲۶) یکی می‌دانند. آثار کشف شده باستان‌شناسی مربوط به نیمه دوم هزاره سوم پ.م و سفالهای موسوم به کولی با قدمت ۲۳۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م که در امتداد کرانه‌های جنوب پاکستان و ایران و شبه‌جزیره عربستان پراکنده شده است، این نظریه را تأیید می‌کند. (مغول، ۱۳۶۹، ص ۲۶).

منطقه‌ای دیگر که در متن‌های بین‌النهرین قدیم در ارتباط با تجارت خلیج فارس و دریای عمان از آن یاد شده است، ماگان (مکن - ماجان) است. در منابع گیوناگون محدوده این سرزمین از حدود عمان تا شهر سوخته سیستان (مجیدزاده، همان، ۱۳۷۶، ص ۱۳)، بخش‌هایی از دو سوی ساحل

مقاله ● جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی... / ۱۵

خلیج فارس و دریای عمان و مناطق بلوچستان ایران و پاکستان و عمان با مرکزیت بمپور (ریاضی، ۱۳۷۴، ص ۴۹) و قسمت جنوبی بلوچستان ایران و پاکستان و بخش جنوبی تنگه هرمز و سواحل متصل (امارات عربی و عمان) با مرکزیت بمپور (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۳۲)، تعیین شده است.

دیلمون (تیلمون اکدی و نی دوک کی آشوری) (سعیدی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۲۰۳) از دیگر تمدنهای دریایی مرتبط با اقتصاد خلیج فارس در ادوار کهن پیش از میلاد است که امروزه آن را با محدوده مجمع‌الجزایر بحرین تا جزیره فیلکه کویت همسان (یکی) می‌دانند. (عبدی، ۱۳۷۰، ص ۳۱؛ مغول، ۱۳۶۹، ص ۲۶؛ مجیدزاده، پیکره‌ای سومری...، ۱۳۷۶، ص ۱۳؛ Absolute Astronomy...، p.1-3).

در فرایند به هم پیوسته مبادلات بازرگانی، دیلمون نزدیک‌ترین کشور به بین‌النهرین، ملوخته در دورترین نقطه و ماگان سرزمینی میان این دو بخش به شمار می‌آمد. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۲۹). بیشترین صادرات ملوخته به سواحل خلیج فارس، دریای عمان و بین‌النهرین عبارت بود از چوب و الوار به‌ویژه از انواع مینو و آب که نوع آنها هنوز مشخص نشده، اما در کتیبه‌های بین‌النهرین از آن یاد شده است. طلای سرخ، عقیق جگری، اجناس مصنوعی و دست‌ساخته‌هایی چون قطعات عاج به شکل پرنده، شانه سر، میز و مجسمه موجوداتی چون میمون، قطعات کامل تراشیده عاج و سنگ لاجورد (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۳۴-۵)، چوب آب‌نوس، حیوانات بارکش و سواری چون الاغ، نوعی پرنده کمیاب موسوم به دارموسم ملوخته که گویا همان طاووس است. (مغول، ۱۳۶۹، ص ۲۶؛ هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

کلمه ماگان (مزون هخامنشی) (چمنکار، روابط ایران و عمان...، ۱۳۸۲، ص ۶۰) که به معنی کشتی است از تسلط و توانمندی اقوام ساکن در آن به فتون دریانوردی و کشتی‌سازی حکایت دارد. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۰). تصویرهای ناوگان اهالی ماگان بر دیوارها و آثار برجای مانده از منطقه عمانات و سواحل متصل کشف شده است. (P.D.O News magazine, 1995, p.23-4). همچنین کتیبه‌های اکدی از حضور پی در پی کشتیهای سیاه ماگان در بنادر خود خبر داده‌اند. (Ibid, p.22). دونگی، پادشاه اور، در نوشته‌ای از عهد شول جی (۲۰۵۰ پ.م) که از لاگاش، دیگر شهر سومر، به دست آمده، به صنعت کشتی‌سازی ماگان اشاره می‌کند. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

اورنامو (۲۰۹۶-۲۱۱۳ پ.م)، پادشاه اور، مدعی است که کشتیهای ماگان را دوباره به کشور خود فراخوانده است که شاید این کار را پس از حفاری و بازگشایی کانال و راه آبی که مسدود شده بود، انجام داده است. (همان). سارگن، پادشاه بزرگ اکد، با تصرف سرزمینهایی از مدیترانه تا خلیج فارس بخشی مهم از خاور نزدیک و راههای تجاری آن را در اختیار داشت و در کتیبه‌ای از شرح کشورگشاییها و حاکمیتش بر سواحل دریای پست تا ماگان سخن رانده است (۲۳۰۰ پ.م). (همان؛ بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۵۳ و ۵۵).

در نتیجه حمله‌های پی در پی لولوبی، گوتی و عیلامیها، راه انتقال فلزات موسوم به جاده مفرغ قطع شد و اکدیها برای به دست آوردن منابع قلع، مس و نقره در خلیج فارس به نبردهایی بسیار دست زدند. نرام سین، نوه سارگن، (۲۲۱۸-۲۲۵۴ پ.م) به ماگان لشکرکشی کرد و مانودانو، پادشاه آنجا را اسیر کرد. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

سرزمین ماگان افزون بر نقش مهم در انتقال کالا، شاید تولید و تعمیر انواع کشتی برای کشورهای دیگر را نیز برعهده داشته است. کشتیهای ماگان در تجارت، میان تمدنهای دره هند و موهنجودارو با شهرهای بین‌النهرین و خلیج فارس حضوری گسترده داشتند و حامل مال‌التجاره‌های گرانبها و نایاب گوناگون بودند. رفت و آمد این کشتیها به سواحل و بنادر هر یک از حکومتگران امتیازی بزرگ و پرسود به شمار می‌رفت، چنانکه سارگن اکدی (۲۳۱۶-۲۳۷۱ پ.م) به کشتیهای ماگان، ملوخره و دیلمون که در اسکله پایتخت کشورش پهلو می‌گرفتند، افتخار می‌کرد.

گودیا پاتاسی، ولیعهد لاکاش، در حدود سال ۲۲۰۰ پ.م عنوان کرد که ماگان، ملوخره و دیلمون خراج‌گزار او هستند و هدایایی به وی تقدیم می‌کنند. او در کتیبه‌ای شرح می‌دهد که برای ساخت معبد الهه نین‌جیرسو مصالح ساختمانی مانند الوار و سنگ پخماق را از ماگان آورده است.

در دوران زمامداری ای بی سین، واپسین پادشاه از سومین سلسله پادشاهی اور (۲۶۰۰-۲۰۲۹ پ.م)، لو-انلیلا، یکی از متولیان معبد خدای نانا، با ماگان روابط تجاری داشت و کالاهایی چون جو و گندم، منسوجات و... را به آن سرزمین صادر و از ماگان مس، عاج، گِل

سرخ، خیزران و سنگهای قیمتی وارد می‌کرد. (همان، ص ۳۱). ممکن است گِل سرخی که در فهرست کالاهای صادراتی از ماگان نام برده شده، از جزایر ابوموسی، سیرابومغیر و یا جزیره هنگام آمده باشد زیرا این جزایر اکنون نیز دارای منابع غنی از گِل سرخ هستند. شاید جزیره هنگام از تولیدکنندگان عمده سنگ چخماق نیز بوده است. (همان، ص ۴۵).

یکی از نیازمندیهای اصلی منطقه بین‌النهرین و کرانه‌های شمالی خلیج فارس، انواع فلز به‌ویژه مس بوده است. ماگان یکی از برجسته‌ترین مناطق تهیه و ارسال محموله‌های مس برای مسگران هنرمند بین‌النهرین بود. (Medow, 1975, p.117). کوشش باستان‌شناسان آلمانی برای شناخت منابع اصلی و معادن مس باستان و چگونگی انتقال آن به بین‌النهرین، سرشاخه‌هایی را در کرمان، جنوب شرقی ایران و به‌ویژه عمانات نشان می‌دهد. (مؤمن‌زاده، ۱۳۶۹، ص ۲۵۳). در مناطق سحر، جبل معادن در رأس وادی دیزی و وادی گور عمان، بقایای معادن مس مربوط به هزاره‌های پیش از میلاد کشف شده است. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۴۶). در متنهای سومری نیز از کشتیهای حامل مس یاد شده است. (بخنباری، ۱۳۵۵، ص ۹۳).

ماگان یکی از صادرکنندگان سنگهای ساختمانی، سنگهای نوع دیوریت و کلوریت با کیفیت بالا، گرانیت و احجار کریمه به بین‌النهرین به شمار می‌رفت. (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۳۳؛ جابلد، ۱۳۵۲، ص ۲۰۹). بر اساس متنهای برجای مانده گودآ، حکمران سومر در ۲۲۰۰ پ.م، برای ساختن نیایشگاه خدای نین جیرسو از سنگهای محکم قرمز و سیاه وارداتی از ماگان و ملوخته استفاده کرد. مجسمه معروف او نیز که از سنگ دیوریت وارداتی ساخته شده، کشف شده است. (مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۲، ۱۳۷۶، ص ۲۵۲؛ عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۸).

همچنین مروارید (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۲) و محصولات زراعی اقیانوسی و حاره‌ای که به علت امکان رویش آن در جنوب عمان (ظفار) و ارتباطات تنگاتنگ با شبه‌قاره هند و جنوب شرقی آفریقا قابل دستیابی بودند (Longriyg, 1963, p.247)، انواع خرما، ماهی و آبزیان دریایی (چمنکار، بحران ظفار...، ۱۳۸۳، ص ۲۵) از دیگر صادرات ماگان به بین‌النهرین و مناطق دیگر بود. (ویلسون، ۱۳۴۸، ص ۳۶). ماگان به پرورش و صادرات نوعی بز بزرگ به نام بز عمانی شهرت داشت که بخشی از نیازمندیهای دامی منطقه خلیج فارس و دریای عمان را برطرف می‌ساخت.

(همان). نین دولا یا ملکه رمه، الهه این سرزمین و حامی و نگهدار گله بانان بود. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

اورنمو (۲۰۹۴-۲۱۱۱ پ.م)، مؤسس سلسله سوم اور، برای حمایت از کشتیها و کالاهایی که از ماگان وارد می شد، مقرراتی وضع کرد. او به شکرانه به سلامت بازگشتن تاجران و کشتیها که با لطف و یاری الهه نانا صورت می گرفت کتیبه ای را به او تقدیم کرد. (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۹). در دوره سلطنت پادشاهان لارسا (۱۸۸۶-۱۹۳۲ پ.م) و ریم سین (۱۷۶۳-۱۸۲۲ پ.م) تجارت مستقیم و بی واسطه با ماگان و ملوخره ادامه داشت. (همان).

دیلمون با داشتن آب شیرین، خاک حاصل خیز و ویژگیهای طبیعی می توانست واسطه ای برای تجارت میان تمدن شرق و غرب آسیا و افریقا باشد. همچنین این منطقه جایگاهی ویژه در تحولات اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان داشت. در اسطوره های بهشت و عصر طوفان مردم سومر، دیلمون سرزمینی دلنشین و فرح بخش برای زندگی و مورد توجه خدایان نشان داده شده است. (مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین النهرین، ۱۳۷۶، ص ۲۷۱-۲۴۷؛ مک کال، ۱۳۷۵، ص ۶۵-۶۶؛ بلک و گرین، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).

سارگون اکدی (حدود ۲۳۰۰ پ.م) بخشهایی گسترده از مرزهای خلیج فارس را به تصرف خود درآورد. در کتیبه ای که از او به جای مانده، از آوردن کشتیهای دیلمون، ملوخره و ماگان به باراندازهای رو به روی اکد یاد شده است. (مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین النهرین، ۱۳۷۶، ص ۹۴). در عهد نرام سین، جانشین سارگون، استیلای اکدیها بر این مناطق ادامه یافت. توکولتی نینورتا (۱۲۵۰ پ.م)، پادشاه آشور نیز دیلمون و ملوخره را بخشی از امپراتوری خود می دانست. (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳).

دیلمون مرکز صادرات کالاهایی چون طلا و نقره و وسایل آرایشی به ویژه سرمه و اجحار، الوار و محصولات زراعی چون پیاز به دیگر نقاط خلیج فارس، بین النهرین و سواحل دریای عمان و هند بود و به صید و تجارت چشم ماهی یا مروارید شهرت داشت. (منزل، ۱۳۶۹، ص ۲۶؛ مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین النهرین، ۱۳۷۶، ص ۲۰).

از متنها تاریخی سلسله های قدیم سومر، کشف شده در شوروپک، کیش و ابل،

پیوندهای یادشده مشخص شده است. در یک کتیبه سومری که در ستایش خدای انکی سروده شده، آمده است:

«سرزمین ماگان و ملوخره چشم به من دارند، کشتیها از دیلمون خوب می‌آورند، کشتیها از ماگان تا بلندی آسمان بار شده است. قایقها از ملوخره طلا و نقره حمل می‌کنند.» (مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ۱۳۷۶، ص ۲۵۲).

همچنین در گل‌نشته‌های تصویری دوره آغاز نگارش اوروک چهارم، کشف شده در نزدیکی زیگورات اوروک، از سرزمین دیلمون سخن به میان آمده است. در متنهای جمدهت نصر مربوط به حدود ۳۰۰۰ پ.م نیز از دیلمون یاد شده است. (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۷). در متنهای برجای مانده از عهد اورنش، پادشاه لاگاش (حدود ۲۵۲۰ پ.م)، و لوگل آند و اوروکگین، پادشاهان سلسله‌های قدیمی سومر، به حمل الوار با کشتیهای دیلمون (همان، ص ۲۷؛ مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ۱۳۷۶، ص ۲۰) و فهرستی از اجناس وارداتی (عبدی، همان، ص ۲۹) از آن سرزمین اشاره شده است.

تجارت خوب از دیلمون در زمان اورناسه سومری نیز وجود داشته است. (مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ۱۳۷۶، ص ۲۰). گویا بیشتر محموله‌های الوار به صورت واسطه‌ای حمل می‌شد. مناطق جبل‌الاکضر عمان و هندوستان باید از منابع عمده تأمین خوب بوده باشند.

در پایان سلسله سوم اور و دوره ایسین و لارسا به کتیبه‌هایی گوناگون در ارتباط با اوضاع اقتصادی خلیج فارس و دریای عمان از جمله دیلمون برخورد می‌کنیم. همچنین در کتیبه‌هایی که از معبد الهه نین‌گل به دست آمده به سفرهای دریایی دیلمون اشاره شده است. برخی از این متنها نشان می‌دهد که ملوانان برای سلامتی بازگشت خود به این الهه هدیه‌هایی تقدیم می‌کردند. این تاجران دریانورد پارچه‌ها و کالاهای زراعی بین‌النهرین را به دیلمون منتقل و در آنجا با کالاهایی چون مس، سنگهای ساختمانی، طلا و نقره، سنگهای گرانبه‌ای از جمله لاجورد، مهرهای سنگی و عاج‌آلات معاوضه می‌کردند. دوره پادشاهان لارسا، گونگونوم، آبیسار و سوموایلوم (۱۸۸۶-۱۹۳۲ پ.م) و ریسمین (۱۷۶۳-۱۸۲۲ پ.م) اوج تجارت و تبادلات اقتصادی بین‌النهرین با دیلمون بوده است. (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۹).

بازرگانان شبه‌قاره هند در مسیر حرکت از بنادر اقیانوس هند به دریای عمان و سپس بین‌النهرین، سواحل شمالی خلیج فارس و ایران داخلی، در دیلمون به باراندازی و بارگیری می‌پرداختند. (چایلد، درآمدی کوتاه بر...، ۱۳۶۸، ص ۱۳۳). به نظر می‌رسد از هزاره دوم پیش از میلاد دیلمون انباری مهم برای تاجران بوده باشد. (مالوان، ۱۳۷۲، ص ۱۳).

در ابتدای هزاره دوم پ.م ارتباط مستقیم بازرگانی میان بین‌النهرین و سواحل شمالی خلیج فارس با مناطق ماگان و ملوخته قطع شد و کالاهای آن نواحی برای حمل به بازارهای فروش، در دیلمون تخلیه می‌شد، (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۳) امری که رونق بیشتر این حدود را در پی داشت، چنانکه دیلمون دارای معابد باشکوهی شبیه زیگوراتهای بین‌النهرین بود. ثروت ناشی از تجارت دریایی سبب شد مردم عادی آن نیز گورهای برجسته و پرشکوه داشته باشند، پدیده‌ای که در دنیای کهن بی‌مانند بود. وجود یکصد هزار گور قدیمی مربوط به هزاره سوم پ.م در منطقه این موضوع را نشان می‌دهد. (همان، ص ۳۳ و ۴۷).

اکتشافات باستان‌شناسان دانمارکی در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ در محدوده مجمع‌الجزایر بحرین و سواحل متصلح (جناب، ۱۳۴۹، ص ۷۴)، به‌ویژه در قصبه ابوعلی در جنوب غربی منامه (زرین‌قلم، ۱۳۳۷، ص ۵۰۵۱)، توانمندی و تأثیر اقتصاد دریایی دیلمون از سند تا بین‌النهرین را روشن‌تر ساخت. (اقتداری، ۱۳۷۵، ص ۳۲-۹۳).

مجموعه‌ای از مهرهای ساخته شده از سنگ صابون و یک کارگاه مهرسازی مربوط به هزاره سوم پ.م نشان‌دهنده حضور گسترده مردم دیلمون در تجارت سومر و هند است. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۴۷). رونق تجاری بندر دیلمون از حدود سال ۱۸۱۰ پ.م کاهش یافت، در نتیجه میزان مبادلات اقتصادی آن با شهرهای بین‌النهرین و سرزمینهای شمال خلیج فارس نیز سیر نزولی پیمود. به طور مشخص از پایان سلطنت ریم سین در طول حکومت بابلی‌ها این وضعیت نمود بیشتری یافت. انتقال قدرت از جنوب، از میان رفتن اهمیت جغرافیایی دیلمون برای تجارت دریایی، تسلط بازرگانان دیلمون بر منابع معدنی ماگان و ملوخته^۳ (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۹؛

^۳ با انقراض سومریان در ۲۱۱۵ پ.م به دست ریم سین عیلامی، خشونت و ناامنی آغاز و سبب مهاجرت اهالی از رأس خلیج فارس و دیلمون به شامات شد. شهرهای پررونق تجاری فنیقی پس از این رویداد توسعه بیشتری

بیرنیا، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸)، به‌ویژه هجوم اقوام هندو اروپایی آریایی به تمدنهای دره هند و نابودی مؤسسات اقتصادی و تمدن آنان (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۳) از مهم‌ترین عوامل سقوط اهمیت تجاری دیلمون در خلیج فارس باستان بود. با ورود به دوره کاسی‌ها، تجارت مردم منطقه خلیج فارس و سرزمینهای مرتبط با آن به صورت راکد درآمد و اشاره به نام آن نیز در مثنیهای تاریخی بسیار کاهش یافت. (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۲۹).

پس از سال ۱۸۰۰ پ.م، دیلمون برای سده‌های پی در پی رونق اقتصادی خود را به عنوان بازار عمده جهان از دست داد. در گذر روزگار، صادرات این جزیره منحصر به محصولات زراعتی به‌ویژه خرما بود. این فترت در دیگر بخشهای تجاری امارات متصالح و عمانات نیز وجود داشت. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۳).

با پیدایش امپراتوری آشور و تمرکز اداری و سیاسی همراه با گسترش قلمرو ارضی و بحری، تجارت دیلمون و بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان زندگی دوباره یافت. گسترش امپراتوری آشور سبب شد همه مسیرهای دجله و فرات و روزه‌های آبی خلیج فارس به تملک آنان درآید. (ناردو، ۱۳۸۱، ص ۶-۶۵). گاه سیاست توسعه ارضی آشوریان، سرزمینهای دوردست را دربرمی‌گرفت که می‌توانست بر اقتصاد خلیج فارس اثر بگذارد و زمینه‌ساز ارتباط بیشتر ملت‌های دریانورد با این منطقه شود.

تیکلات پلاسار، پادشاه آشور (۱۰۷۴-۱۱۱۲ پ.م)، در کتیبه‌ای از چگونگی لشکرکشی خود به مناطق فینیقیه و سوریه علیا یاد کرده است:

«با کشتیهای آرادوس عبور کردم، از آرادوس که در ساحل دریاست به سیمیرا از سرزمین آمو رو رفتم. یک نامیرو را کشتم که آن را گراز دریایی نامند در میانه دریا.» (موسکاتی، ۱۳۷۸، ص ۲۸).

آشور نصیرپال دوم (۸۳۳-۸۵۹ پ.م) درباره فتوحاتش در شامات می‌گوید:

«در آن هنگام از کنار کوه لبنان گذشتم تا به دریای بزرگ رسیدم... در دریای بزرگ جنگ‌افزارهایم را شستم و هدایایی به پیشگاه خدایان عرضه کردم.

خراج شاهان دریا و مردم شهرهای صور، پیددون... از نقره، طلا، سرب، مس، ظروف مسی، لباسهای پشمی با رنگ روشن تا چوب افرا، چوب شمشاد و عاج از آنان دریافت کردم.» (ناردو، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

همچنین سارگن در گزارشی درباره تهاجم دوم بر مردوک (مردوخ) بالادان در حدود (۷۱۰ تا ۷۰۵ پ.م) از حکومت پادشاه آشور در آبادیهای سواحل دورافتاده دریای شرق (خلیج فارس) مطالبی را یاد کرده است. (همان، ص ۷۱).

سناخریب، پادشاه آشور (۷۰۵ تا ۶۸۱ پ.م)، با استفاده از توانمندی نظامی دریایی فینیقی و یاری اعراب ساکن شمال شرقی عربستان، با پادشاه کلدانی سیلاند نبرد کرد. بوکد نصر دوم (۶۰۴ تا ۵۶۱ پ.م) شهر تردون را در غرب رودخانه فرات برای دفاع از مرزهای دریایی خود در برابر یورش اعراب بنا کرد. او همچنین برای زنده کردن راه دریایی خلیج فارس که در پی رونق راه آبی دریای سرخ به دست بازرگانان فینیقی، دچار رکود شده بود، شهر تیر، بندر مهم اقتصادی آنان را ویران ساخت. (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۳۴-۵). این مسئله برای بازرگانی فنیقیه ضربه‌ای سنگین بود.

متنهای تاریخی بین‌النهرین از حرکتهای نظامی پیروزمندان آسارهادون و تولولتی نینورتا (عبدی، دیلمون...، ۱۳۷۰، ص ۳۰، نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳)، دیگر پادشاهان آشور، نیز در کرانه‌های خلیج فارس یاد کرده‌اند.

بازگشایی راههای تجاری خلیج فارس و بازگشت حاکمیت و امنیت به آنها، مراکز داد و ستد را دوباره فعال ساخت، امری که توانمندی نسبی اقتصادی آشوریان به آن سرعت بخشید. در آشور اشراف اراضی زراعی گسترده‌ای داشتند که با یک شبکه پیشرفته آب‌رسانی تغذیه می‌شد و محصولاتش چون گندم، جو، انگور، زیتون و انواع سبزیجات به عمل می‌آمد. بازرگانان آشوری فلزات و سنگهای قیمتی را از آسیای صغیر و ارمنستان وارد می‌کردند. همچنین بخشی از کانیهای زیرزمینی از سرزمین آشور استخراج می‌شد. بانکهای آشور وامهایی با بهره ۲۵٪ در اختیار بازرگانان قرار می‌دادند. برای داد و ستد و مبادلات از تکه‌های طلا و نقره، سرب و مس استفاده می‌شد. معاملات در آشور به صورت رسمی و با صدور سند انجام می‌شد.

بازرگانان یا تاجران همکارانها جزو طبقه نخست یا ممتاز آشوری بودند. آنان زیرسلطه آشوریان از راه تجارت در نواحی گوناگون سود فراوان به دست می آوردند، چنانچه در آسیای صغیر و دریای مدیترانه مهاجرنشین تجاری دایر کردند. این بازرگانان برای تسهیل امور بازرگانی اتاق تجارت موسوم به کاروم داشتند. چیرگی بر راههای تجاری از اهداف همیشگی دولتمردان آشور در حمله های نظامی بود. بیشتر صنایع عمده آشور شامل بافت پارچه های پنبه ای، صنایع رنگرزی منسوجات، شیشه گری و لعاب سفالینه ها بود. (رو، ۱۳۸۱، ص ۳۱۵-۱۷؛ ناردو، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳، ۳۳۱-۳۳۰؛ خوری حتی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

صنعتگران آشوری در ساختن ساخته های فلزی مانند بشقاب، جامهای نوشابه خوری، زیورآلات طلا، نقره و برنز و عاج کاری زبردست بودند. (ناردو، همان؛ مرزبان، ۱۳۸۳، ص ۱۶). بیشتر مواد خام اولیه مورد نیاز برای تولید این صنایع و فروش آن از طریق راههای دریایی و ارتباط آن با مراکز دادوستد خلیج فارس انجام می شد.

اکتشافات باستان شناسی حضور عناصر ایرانی و تمدنهای مجاور در کرانه های شمالی خلیج فارس در هزاره های پیش از میلاد را ثابت کرده است. در حفاریهای آذر ۱۳۴۸ در جزیره قشم آثار تاریخی خوس (هریس) و گل مربوط به هزاره های نخست پ.م و پایان این هزاره کشف شد. همچنین در نخستین سالهای دهه ۱۳۵۰ خورشیدی تا حدود جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، بندرعباس و میناب کاوش شد و کشف گورستانی مربوط به هزاره سوم پ.م در شمال میناب نمونه ای از دستاوردهای این فعالیت بود.

وجود سنگهای سیاه عیلامی در بندر گناوه و یافته های باستان شناسان در سیراف (بندر طاهری) تا حدود تیس (چابهار و کنارک)، نشان دهنده تداوم فعالیت های اقتصادی در این مناطق در روزگار باستان و وجود توقفگاه های دریایی برای باراندازی و بارگیری کالا بوده است. (مجله باستان شناسی و هنر ایران؛ بررسی استان...، ۱۳۴۸، ص ۹۲؛ همان، کاوش و تفحصات...، ۱۳۵۱، ص ۱۵۲؛ شاملو، تمدنهای...، ص ۷-۱۲۴).

مجموعه راههای اصلی و فرعی زمینی و دریایی، قسمتهای شمالی و جنوبی خلیج فارس، بین النهرین و آبراههای رودخانه ای آن، ماگان، ملوخته، دیلمون، دره سند، شامات و

افریقای شرقی را به یکدیگر متصل می‌ساخت.

شاهراه جنوب یا راه شمالی جنوبی - جنوب غربی قسمتهایی بسیار از این سرزمینها را درمی‌نوردید. این بزرگراه تجاری، تمدنهای هاراپا، موهنجودارو و دره سند، موندیگاگک در افغانستان و شهر سوخته ایران را از راه بمپور به بندر تیس (چابهار) و از آنجا به وسیله خلیج فارس و دریای عمان به خوزستان و بین‌النهرین جنوبی پیوند می‌داد. مکانهای عمده و مشخص این راه، شهر سوخته، بمپور، تیس، دیلمون، خوزستان و بین‌النهرین بود. (ریاضی، ۱۳۷۴، ص ۴۹). دیگر راه مهم که منابع باستان از آن یاد کرده‌اند شاهراه فرات است. در مسیر این راه از کهن‌ترین روزگار، کالاها از خلیج فارس به دریای مدیترانه و بالعکس حمل می‌شد. (مالوان، ص ۶). متنهای کشف‌شده در بین‌النهرین از راههایی سخن می‌گویند که مدیترانه و آناتولی را به خلیج فارس متصل می‌کردند. (مک کال، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

با تشکیل دولت عیلامیان (ایلام) تسلط بر راههای دریایی از خوزستان تا لیان (شبه‌جزیره بوشهر) و ماورای آن گسترش یافت. جبهه شرقی خلیج فارس به‌ویژه لیان و برازجان مرز جنوبی امپراتوری عیلام را تشکیل می‌دادند. (آمی، ۱۳۷۲، ص ۲).

این مرز از سوی جنوب تا بندر لنگه، بندرعباس و دشت میناب* (سایکس، ۱۳۶۸، ص ۲۰۳؛ سعیدی، ۱۳۴۱، ص ۲۰۳) ادامه داشت. همچنین جزیره خارک یکی از پایگاههای عمده ارتباط تجاری عیلامیها بود.** (گیرشمن، ج ۳، ۱۳۴۱، ص ۱۱۶). لوحهای عیلامی که باستان‌شناسان پروس در سال ۱۸۷۶ و مورس پزاد فرانسوی در ۱۹۱۳*** (مصطفوی، ۱۳۴۳، ۱۵۰ و ۱۴۰ هینتنس، ۱۳۷۶، ص

* از شریهوم (شریکوم - شیریهوم)، منطقه‌ای عیلامی در کرانه خلیج فارس، نیز در منابع بین‌النهرین یاد شده است: مجیدزاده، ۱۳۷۰، ص ۶.

در منابع آشوری از وجود جزیره هودیمری (هودیسمری) آگاه می‌شویم که شاید با جزیره هرمز امروزی یکی باشد. هرتسفلد، ۱۳۵۴، ص ۵۵-۶.

** درباره آثار کهن خارک نک: سرافراز، راهنمای آثار باستانی جزیره خارک، ۱۳۵۵؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۲، ص

*** در سال ۱۸۷۶ وزارت فرهنگ پروس گروهی باستان‌شناس را به ایران فرستاد. آنان در بوشهر گودالی را

۱۴) در لیان کشف کردند و وجود ساختمانهای مخروطی باستانی در ناحیه برازجان و دشتستان به ویژه آثار تل مَر و تپه پهن این موضوع را آشکار ساخته است. (سرافراز، گزارش اولین فصل...، ۱۳۸۰، ص ۲۸؛ همان، کشف کاخی از...، ص ۲۵-۳۲؛ همان، اکتشافات اختر باستان‌شناسی...، ۱۳۸۱، ص ۱۱-۱۰).

شیموت وارتاشی، پادشاه شوش، کتیبه‌ای را در ستایش از خدای کریریشا در جزیره لیان نصب کرد. (کامرون، ۱۳۶۵، ص ۵۸). کتیبه‌ای نیز از موبان نومن، پادشاه انزان و شوش و امیر عیلام که لقب گسترنده امپراتوری را بر خود نهاده بود، در لیان کشف شده است. (هینتس، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳). در دوره حکومت شوتروک ناخوته، پرستشگاه کریریشا بازسازی شد. (کامرون، ۱۳۶۵، ص ۸۲). در دوره کوتیر ناخوته (۱۱۶۶-۱۱۷۰ پ.م) (همان، ص ۸۴)، کیدین هوتران (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳) و شیلهاک اینشوشیناک (دیاکونوف، ۱۳۸۲، ص ۴۱) (۱۱۶۵-۱۱۵۰ پ.م) که دوره طلایی امپراتوری عیلام محسوب می‌شود، چیرگی بر بیشتر سواحل و جزایر خلیج فارس ادامه یافت. (آمی، ۱۳۷۲، ص ۷).

شوش، مرکز امپراتوری عیلام، در پایان هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پ.م مرکز سکونت شد و به علت قرار گرفتن در شمال خلیج فارس و همسایگی با تمدنهای بین‌النهرین به سرعت توسعه یافت. شوش مرکز برخورد و تلاقی جلگه بین‌النهرین و تمدن فلات ایران بود. زیگورات چغازنبیل که به دست پادشاه عیلامی، اونتاش نپیریشا در نزدیکی رود دز برای هدیه به دو تن از خدایان ساخته شد، بخشی از وسعت نودوپنج هکتاری شهر بود. (خبرگزاری میراث فرهنگی، شوش پایتخت...، ۱۳۸۴؛ کردوانی، ۱۳۴۹، ص ۳۵-۵۶).

در دوره حکومت عیلام، راههای خلیج فارس و دریای عمان و رودخانه‌های دز، کرخه و دجله و فرات با ایجاد انشعاب و کانالهای گوناگون به یکدیگر متصل بودند. دست‌کم سه رود از دشت خوزستان و شوش یا سوزیان (سوزیان) می‌گذشت.

کشف کردند که صدها لوح مکتوب مربوط به دوران کلاسیک عیلام (سده‌های ۱۲ و ۱۳ پ.م) را در بر می‌گرفت. در ۱۹۱۳ نیز موریس هزار در منطقه سبزاباد بوشهر حفاریهایی را انجام داد. مجموعه فعالیتها و کشفیات او در کتاب زیر منتشر شد:

غربی‌ترین این رودها کرخه بود که آشوریها به آن اوقتو و یونانیها خوئیس می‌گفتند. رودخانه میانی منطقه، دز بود که به عیلامی و آشوری ایداید و به یونانی کوپراتس گفته می‌شد. شرقی‌ترین رود در سوزیان، کارون و یا به یونانی پاستیگرس بود که به صورت طبیعی قابل کشتیرانی بود.

کرخه و دز با آبراهی لایروبی شده به یکدیگر می‌پیوستند. عیلامیها این شاخه را اولای و یونانیان ائولایوس می‌گفتند. شوش از راه اولای و کرخه که در آن زمان تا خلیج فارس جریان داشت و از راه دز و کارون به دریا راه می‌یافت. * (هینتس، ۱۳۷۶، ص ۲۳-۴).

این راه آبی خوزستان را به خلیج فارس و دریای عمان تا حوزه سند مرتبط می‌ساخت. در حقیقت شوش دورترین نقطه شرقی شاهراه بزرگ افغانستان به بین‌النهرین بود. (ریاضی، ۱۳۷۴، ص ۴۹؛ نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸). بدین ترتیب شوش در دوره تشکیل حکومت‌های آریایی، به‌ویژه ساسانیان ارتباطی تنگاتنگ با امور تجاری خلیج فارس داشت. اردشیرخوره، سیراف، لیان و مناطق پسابندر آن در دشت برازجان، بهشت آباد اردشیر یا منطقه بصره و ابله (اپالوگوش) و ریو اردشیر (ماهشهر- معشور)، از این نمونه بودند. (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۵۱).

شوش مرکز برخورد راه‌های مهم دیگری نیز بود. در سفر به سوی غرب با قایق از کرخه می‌گذشتند و با کاروان، سه‌روزه به دجله و پس از یک هفته دیگر به بابل می‌رسیدند. مسیری دیگر به سوی شمال، از کرخه به راگا (ری باستان) می‌پیوست. جاده سوم با گذشتن از شوشتر و شوش به دشت اصفهان و در ادامه به سوی جنوب از راه بهبهان و فهلیان به فارس می‌رسید. (هینتس، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

کشف ظروف دست‌ساز عیلامی در تپه ژالیان در مشرق فارس در کنار دشت فسا (شجی، ۱۳۵۰، ص ۸۱) و مجسمه‌های نقره‌ای مربوط به دوره پرتو عیلامی در منطقه جلال آباد در دو کیلومتری شمال غربی تخت جمشید**، (سرافران، شهر تاریخی دستوا...، ۱۳۴۸، ص ۷۵-۷۹)

* براساس اسناد کتبی یک مسافرت از شهر لاگوش به شوش از راه رودخانه، دو ماه به طول می‌انجامید. نک: بهنام، ۱۳۲۰، ص ۷.

** تسلط ناگهانی و کوتاه‌مدت شوش بر گودین تپه (مرکز باستانی در غرب مرکزی ایران مربوط به اواخر هزاره چهارم پ.م) سبب شد تا با ایجاد یک پایگاه تجاری در این منطقه، نظارت بیشتری بر بازرگانی جاده بزرگ

نشان‌دهنده این ارتباط است.

راه شوش پس از گذر از فارس به کرمان و دریای عمان و بندر تیس (چابهار) می‌رسید و حدود غرب را از راه جنوب به شرق ایران متصل می‌ساخت. (بارشاطر، ۱۳۷۷، ص ۸-۱۸۷). دشت حاصل‌خیز شوش که انواع محصولات زراعی را تولید می‌کرد با دسترسی به شبکه راههای دریایی و زمینی، دوره‌ای پررونق را گذراند. اکتشافهای باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در دوره عیلام میانه (۱۳۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م) فعالیت گسترده ساختمانی از شوش تا لیان و سواحل خلیج فارس در جریان بوده است. (عبدی، تمرکزگرایی و بخش‌گرایی...، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

فراورده‌هایی چون گندم و جو، کنجد، حبوبات، سبزیجات و صیفی‌جات، خرما، دام، لبنیاتی چون کره، پنیر و شیر، پوست و چرم، کانیها و فلزات که گاهی در نتیجه فزونی تولید، ارزان بودند (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸؛ پرادا، ۱۳۸۳، ص ۴۷)، با کالاهای دیگر نقاط جهان و کالاهای بازرگانان هند که تماسهای اقتصادی مستمر با اهالی شوش داشتند (سرافراز، گزارش اولین...، ۱۳۸۰، ص ۳)، مبادله می‌شد.

در پایان هزاره سوم پ.م و در دوران سوم سلسله اور مردم به آسانی با کشتی در بین‌النهرین به تجارت می‌پرداختند. در یک متن تاریخی مکشوفه، اشاره شده است که شش کشتی به مدت دو ماه برای حمل کنجد از شوش اجاره شده‌اند. (نگهبان، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸).

راههای بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان به دریای سرخ، زمینه‌ساز ارتباط میان جنوب آسیا، بین‌النهرین و هندوستان با آفریقا بود. براساس منابع برجای مانده، دریانوردان باستانی بین‌النهرین در بنادر جنوب شرقی آفریقا لنگر می‌انداختند. (زربر، ۱۳۷۴، ص ۵۱۱؛ دخانیانی، ۱۳۵۸، ص ۲۸). گویا بیشترین راه‌گذر کشتیها به آفریقا از راه کانالی بود که فراعنه قدیم مصر حفر کرده بودند و بعدها زمینه‌ساز ساخت کانال داریوش و کانال سوئز شد. (دورانت، تاریخ تمدن مشرق...، ۱۳۳۷، ص ۲۰۳).

فراعنه تسی مصر در دوره میانه در حدود سال ۲۰۸۰ پ.م تجارتی پررونق با بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس داشتند. (آبراهامز و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۴). در عصر حکومت توتنس سوم

(۱۴۵۸ پ.م) حدود قلمرو امپراتوری مصر از شمال به رود فرات تا مرز بین‌النهرین می‌رسید و تجارت طرفین را آسان می‌کرد. (اسمیت، ۱۳۸۰، ص ۹۴).

کالاهایی چون نقره و طلا، عاج، ادویه و عطریاتی چون مُرمکی و دارچین، چوب آب‌نوس و الوار و حیوانات نایب از خاور نزدیک و یا نوبی (حبشه) به صورت معاملات پایاپای یا باج و خراج به مصر وارد می‌شد. (همان، ص ۹۶).

مصریان بخشی از مواد خام اولیه مورد نیاز خود مانند سنگهای لاجورد، افسیدین، فیروزه و اشیای مسی را از راه‌های آبی از بین‌النهرین تأمین می‌کردند. (ملک شهیرزادی، مبانی باستان‌شناسی، ...، ۱۳۷۵، ص ۳۷۰). همچنین مصر بخشی از حلقه ارتباطی تجارت میان بین‌النهرین، ایران، شبه‌جزیره عربستان و هند بود. در حدود سال ۸۶۰ پ.م کشتیهایی با بادبان متوسط و صدها پاروزن، کالاهایی مانند عطریات، ادویه، پنبه، پارچه‌های حریر و نازک بدن‌نما موسوم به موصلی، شال، زری‌های آراسته و انواع چوب و یاقوت را در این حدود بارگیری و باراندازی می‌کردند. ارتباط با تمدنهای بین‌النهرین و رودخانه نیل دو عامل پیشرفت مصر باستان بود. (دیویدسن، ۱۳۶۹، ص ۶۴، ۲۹؛ دوران، هند و همسایگانش، ۱۳۴۳، ص ۷-۵۸۶).

مراکز تمدن ایران داخلی و مناطق پس‌ابندر آن در هزاره‌های پیش از میلاد با کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان، بین‌النهرین و سرزمینهای دوردست ماوراء‌آبها ارتباط و شناخت تنگاتنگ فرهنگی و اقتصادی داشت. سیلک کاشان، شهداد، تل ابلیس و تپه یحیی کرمان، شهر سوخته سیستان، بمپور، جیرفت و جلگه هلیل‌رود از این جمله‌اند. در این فرایند، فعالیتهای اقتصادی مستمری در سواحل دریای عمان و اقیانوس هند انجام می‌گرفت. در جنوب بلوچستان و کناره دریای مکران (دریای عمان) که امروزه در زیر آب قرار دارد، از دوران پارینه‌سنگی محل زندگی اجتماعات انسانی بوده است. ابزار سنگی ساخت آنان در سواحل جنوب شرقی ایران تا حدود کنارک (چابهار- تیس) یافت شده است. در آغاز هزاره سوم پ.م گروه‌های انسانی بسیار در شبه‌جزیره عمان و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و دریای عمان به زندگی سیاسی و اقتصادی خود ادامه می‌دادند. (سیدسجادی، ۱۳۶۷، ص ۵۱) و روابط نزدیک تجاری و فرهنگی با مراکز تمدنی ایران ساحلی و مناطق پس‌ابندر داشتند. کاوشهای تپه بمپور

بلوچستان مربوط به دومین ربع هزاره سوم تا حدود سالهای ۱۹۰۰ پ.م، شش دوره استقرار را نشان می‌دهد. مکشوفات دوره پنجم و دوره ششم نشان‌دهنده استفاده از صدفهای دریایی و ارتباط این منطقه با کرانه‌های دریای عمان است. سفالهای کشف شده در لایه‌های ششم که از نوع سفالینه‌های سیاه بر زمینه خاکستری است با سفالهای منطقه‌ام‌النار در عمانات شباهت فراوان دارد و نشان‌دهنده رابطه سواحل جنوب شرقی ایران با جنوب تنگه هرمز در دوره معروف به بربر در بحرین است. این ارتباط و اثرپذیری فرهنگی در نتیجه گسترش بازرگانی، داد و ستد مستقیم و مهاجرتهای انسانی بوده است. (همان، ص ۴۳، ۴۴، ۵۰). کشفیات سراورل استین در ۱۹۳۶ در نواحی مکران و حوضه رودخانه بمپور و بتاتریس دوکاردی در ۱۹۶۶ در این مناطق این امر را ثابت کرد. (کامبخش فرد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶ و ۱۱۳).

دوکاردی فرهنگ سفالی بمپور را از آغاز هزاره چهارم پ.م در شش دوره طبقه‌بندی کرد. وی سفالهای دوره سوم و چهارم را با سفالهای جنوب افغانستان (موندیگااک) و شهر سوخته سیستان مشابه دانست. سفال دوره پنجم را برابر با نال بلوچستان و سفال دوره ششم را با دو نوع سفال خاکستری و منقوش‌کنده شده یا شانهای را با آثار موجود در عمان، ابوظبی و نیز بین‌النهرین مشابه تشخیص داد. او سفالینه‌های این دوره را همزمان با دست‌ساخته‌ها و الواح پیش‌ایلامی تپه یحیی در هزاره چهارم (۳۴۰۰ تا ۳۰۰۰ پ.م) معرفی کرد. در این دوره میان تپه یحیی، بمپور، مراکز تمدنی در سیستان و بلوچستان با بین‌النهرین رابطه فرهنگی و تجارت سنگ وجود داشته است. (همان، ص ۱۱۳).

حفریات بمپور استقرارهای هزاره سوم در مکران غربی را دلایل وجود پیوندهای فرهنگی و اقتصادی میان سند و مکران می‌داند و گواه آن است که این ارتباط از شهر سوخته در جنوب سیستان تا حوضه چابهار که به تقریب در جنوب بمپور و در ساحل دریای عمان قرار داشته، جریان خود را طی می‌کرده است. بر این اساس است که برخی دانشمندان بمپور باستانی را مرکز سرزمین ماگان و اقامتگاه پادشاه آن، مانویی (مانودانو) می‌دانند. (همان).

از سال ۱۳۴۷ خورشیدی یک هیئت مشترک ایرانی - آمریکایی اکتشاف باستان‌شناسی در تپه یحیی (۲۶۰ کیلومتری جنوب کرمان در دشت صوغان در حوزه شهرستان بافت) را در

چند فصل انجام داد که نشان‌دهنده ارتباطات آن با دریای عمان، خلیج فارس و بین‌النهرین است. کهن‌ترین این آثار مربوط به نیمه هزاره پنجم پیش از میلاد است. مهم‌ترین آثار کشف‌شده اشیایی هستند که از سنگ صابون ساخته شده‌اند و به صورت مهره‌هایی ساده و ساغرهای زیبا، شباهت بسیار به لوازمی دارند که در موهنجودارو هند و ماری بین‌النهرین دیده شده است. به نظر می‌رسد تپه یحیی یکی از مراکز تولید و صدور سنگ صابون خام در هزاره‌های پیش از میلاد بوده است.^{۳۰} (شاملو، تمدنهای دره...، ۱۳۵۰، ص ۳۸-۴۶؛ همان، سخنی درباره الواح...، ۱۳۴۹، ص ۲۳-۲۰، کورتیس، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۰) از لایه‌های IVIB و IVCB تپه یحیی مربوط به حدود ۳۴۰۰ پ.م، هزاران تکه از کاسه‌های سنگی با نقوش کنده کاری شده تزئینی و مهره‌های موسوم به مهره‌های خلیج فارس به دست آمده است که مشابه آن در دیگر نقاط باستانی ایران نیز دیده می‌شود. (مجیدزاده، آغاز شهرنشینی...، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳ و ۱۵۰).

صدف همواره بخشی از واردات کالاهای ایران داخلی از سواحل جنوب و جنوب شرقی بود. گویا قسمتی از صدفهای تزئین شده ساکنان تپه یحیی در هزاره چهارم پ.م از منطقه جاگین یا یاکین در خلیج فارس تأمین می‌شده است. (همان، ص ۱۴۹ و مامری، ۱۳۶۹، ص ۱۳۸).

در شهر سوخته سیستان (۵۶ کیلومتری زابل) که در ۳۲۰۰ پ.م پایه‌گذاری شده و پایگاه اجتماعات انسانی در چهار دوره زمانی، میان سالهای ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م بوده است، دندانهای کوسه و انواع صدفهای دریایی که برای ساخت کالاهای تزئینی و ابزار کاربرد داشت و از سواحل خلیج فارس و دریای عمان به آنجا حمل می‌شد، کشف شده است. (مجیدزاده، آغاز شهرنشینی...، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲).

شهر سوخته به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز صنعتی و تجاری جهان در هزاره چهارم پیش از میلاد، رابط تمدنهای هند با بین‌النهرین بود. زراعت کارآمد که با شعبه‌های رودخانه هیرمند و دریاچه هامون سیراب می‌شد، ماهیگیری و صنعتگری توانا در تولید و بافت بیش از دوازده نوع پارچه و ساخت مهره‌ها و گردنبندهای لاجورد و طلا نشان، با نقش ترانزیتی و

مقاله ● جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی... / ۳۱

واسطه‌ای آن را توسعه می‌بخشید. * (عباس‌نژاد: ۱۳۷۸، ص ۷۰-۷۱، ۱۶۹-۸۲، ۱۸۰-۱۸۳، ص ۱۰۳؛ خبرگزاری میراث فرهنگی، بز شهر سوخته، ۱۶/۱۰/۱۳۸۴، ص ۱-۲). محموله‌هایی از کالاهای شهر سوخته به عمان و جزایر خلیج فارس و بین‌النهرین صادر می‌شد. ** (روزنامه ایران، شهری پنج‌هزارساله...، ۱۷/۱۲/۸۳، ص ۲؛ روزنامه شرق، زنان ۶۰٪...، ۱۷/۱/۸۴؛ روزنامه اطلاعات، کشف اسکلت...، ۱۶/۱۰/۱۳۸۲، ص ۱۳).

در لایه سوم استقرار دوره دوم تپه هفت‌هزار ساله سیلک کاشان نیز تکه‌های بزرگ صدفهای دریایی کشف شده که خاستگاه آنها سواحل خلیج فارس است. این صدفها در ساخت اشیای تزئینی به کار می‌رفت و بر پایه برخی نظریات، دستفروشان دوره گرد آنها را به سیلک وارد می‌کردند. (ملک شهیرزادی، ایران در پیش از تاریخ...، ۱۳۷۸، ص ۳۴۶؛ گیرشمن، ایران از آغاز...، ۱۳۶۸، ص ۱۵). کشفیات باستان‌شناسی توانمندی مردم ساکن این ناحیه را در ساخت سازه‌های خشتی عظیم و کوره‌های ذوب فلزات نشان می‌دهد. (خبرگزاری میراث فرهنگی، طرح مرمت...، ۷/۵/۱۳۸۳؛ همان؛ تپه باستانی...، ۹/۲/۱۳۸۴).

قطعاتی از صدفهای خلیج فارس در تل جری (روستای خیرآباد در ۱۶ کیلومتری تخت جمشید) و منطقه تپه فرخ آباد دهلران (مربوط به دوران پرتوعلی‌امی و اوایل آن) نیز کشف شده است (ملک شهیرزادی، ایران در پیش از...، ۱۳۷۸، ص ۳۴۷؛ مجیدزاده، آغاز شهرنشینی...، ۱۳۶۸، ص ۱-۱۲) که مناطق پسابندر باکرانه‌های جنوبی ایران در دوره باستان است.

تمدن تل ابلیس (جنوب شرقی بردسیر و کنار روستای خیرآباد) از دیگر مناطق پس‌کرانه‌ای ایران در هزاره پنجم پ.م است که به حلقه ارتباطی شاهراه بزرگ دریای سیاه، سوریه، بین‌النهرین، غرب و جنوب ایران تا هند و سواحل دریای عمان می‌پیوست. سیر

* www.Iran-newspaper.com (۱۷/۱۲/۸۳)

(شهر سوخته) www.wikipedia.org

** کشفیات باستان‌شناسی در شهر سوخته نشان می‌دهند که زنان شصت درصد از ساکنان این شهر را تشکیل می‌دادند زیرا بخشی عمده از مردان در سفرهای تجاری به مناطق دور دست بین‌النهرین، خلیج فارس و سواحل و بنادر دریای عمان و اقیانوس هند به سر می‌بردند.

ارتباطی از کرانه دریای سیاه، سوریه، شمال بین‌النهرین، خوزستان و فارس به تل ابلیس و از آنجا از راه تپه یحیی و شهر سوخته به هند می‌رسید. (صراف، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷-۹). کاوشهای باستان‌شناسی، نمونه‌هایی از کهن‌ترین کوره‌های ذوب مس و کارگاههای ساخت قطعات و ابزار مسی را در تل ابلیس نشان داده است.

مس همواره یکی از فلزات پرطرفدار در بین‌النهرین و کالایی پرسود در تجارت بازرگانان خلیج فارس بود. گویا بخشی از این نیازمندی را ساکنان تل ابلیس تأمین می‌کردند. * (کالدول، ۱۳۴۴، ص ۱۲-۱۵؛ ایوانف و دیگران، ۱۳۵۹، ص ۳۱؛ نگهبان، مروری بر پنجاه سال...، ۱۳۷۶).

مطالعه سفال به دست آمده از تل ابلیس نشان می‌دهد که این محل از تل باکون فارس تا بین‌النهرین در غرب و از تپه یحیی تا دره سند و خلیج فارس و دریای عمان، با شرق و جنوب و سیلک در شمال، ارتباطی نزدیک داشته است.

یکی از کالاهایی که در میان تمدنهای باستان در ایران داخلی و کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان مبادله می‌شد، انواع سنگ ساختمانی و احجار کریمه چون لاجورد، عقیق، فیروزه و سنگهای موسوم به صابونی از نوع سبز کلریت و خاکستری استاتیت بوده است. فقر شدید معادن سنگ و تقاضای فراوان اشراف‌زادگان برای استفاده از سنگهای قیمتی، بین‌النهرین را به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای سنگ در جهان تبدیل کرده بود. کمبود سنگ سبب شد تا در بین‌النهرین هرگز بناهای سنگی عظیم چون اهرام مصر ساخته نشود. * (هارت، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱؛

* سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، تاریخچه تهیه مس، ص ۱-۳:

<http://www.Daneshnamehroshd.org>

** سنگ صابون (Soap stone) اصطلاحی است برای سنگهای توده‌ای که کانی تالک (تالک سنگهای دارای جلای مرواریدی و لمس چرب و نیمه شفاف بوده و در رده سیلیکاتهای ورقه‌ای قرار می‌گیرد). در آن از مقادیر مختلف در حدود پنجاه درصد است. واژه سنگ صابون برای سنگهای توده‌ای تالکی و ناخالص و بسیار نرم نیز استفاده می‌شود. به آن طلق گدازه نیز گفته می‌شود. سنگهای استاتیت (Steatite) و کریت (Chlorite) از دیگر کانیهای تالکی‌اند. «دو کتاب درباره آسیدین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، س ۱۸، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۸۳ و پایگاه ملی داده‌های علوم زمین، کانیهای تالک، ص ۱-۳: <http://mydir.ir/mineminerall>

شی‌پرا، ۱۳۷۵، ص ۹).

سنگ لاجورد از کوه‌های سرسنگ بدخشان استخراج و به شهر سوخته سیستان حمل می‌شد و پس از تراش‌های نخستین از راه آراتا در کرمان به فارس، انشان و شوش می‌رسید و از آنجا از راه خطوط آبی به بین‌النهرین و دیگر نقاط جهان صادر می‌شد. (مجیدزاده، آغاز شهرنشینی در ایران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲۳؛ خبرگزاری میراث فرهنگی، خنجرهای...، ۱۳۸۴/۱۱/۱۴).

ساکنان شهداد، با استفاده از فلزاتی مانند نقره، سرب و سنگ‌های قیمتی مانند فیروزه، لاجورد، عقیق و سنگ‌های رسوبی، جواهر می‌ساختند. ساکنان این ناحیه برای مبادلات اقتصادی خود سنگ‌های گوناگون مانند لاجورد از شمال افغانستان، فیروزه از نیشابور، صدف از سواحل جنوبی را به این شهر وارد و پس از تراش و ساخت زیورآلات، آنها را به مناطق گوناگون آسیای مرکزی، بین‌النهرین، هندوستان و مراکز جنوبی خلیج فارس صادر می‌کردند.

کشف‌های باستان‌شناسی در بخش گورستان شهداد، این تجارت را از هزاره سوم پ.م ثبت کرده است.* گویا بخشی از سنگ‌های قیمتی چون لاجورد در تهیه رنگ‌های گوناگون برای رنگ‌آمیزی اشیای با ارزش استفاده می‌شد.**

قسمتی از سنگ‌های منتقل شده به بین‌النهرین و بنادر جنوب ایران به سرزمین‌هایی دوردست چون مصر صادر می‌شد. (مجیدزاده، آبا ازت...، ۱۳۸۰، ص ۵، همان، سنگ لاجورد و...، ۱۳۶۶، ص ۴۵). شهرهای واقع در بین‌النهرین و مردم سرحدات دریایی واسطه این تجارت پر سود بودند. (راهنمای نمایشگاه دشت لوت، ۱۳۵۱، ص ۵ و ۱۲؛ کابلی، ۱۳۶۸، ص ۹۴۵، ۷۰، ۷۷؛ صادق، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹؛ رفیع فر، ۱۳۷۰، ص ۱۴).

مجموعه این دگرگونی‌های اقتصادی سبب شد تا شرق و جنوب شرقی ایران از هزاره

* به سایت‌های اینترنتی زیر نگاه کنید:

www.Iranyad.com

www.Irandeserts.com/shahdad

** به مطلب ابزارهای نذهیب سایت اینترنتی زیر نگاه کنید:

[www.tebyah.net,\(1385/3/20\)](http://www.tebyah.net,(1385/3/20))

چهارم پ.م به دومین مرکز تمدن جهان پس از تمدنهای بین‌النهرین و حتی برابر و کهن‌تر از آن تبدیل شود. کشفیات جدید باستان‌شناسان در منطقه جیرفت و جلگه هلیل‌رود کرمان نشان می‌دهد تمدنهای جنوب شرقی ایران در ارتباط تنگاتنگ با دگرگونیهای اقتصادی سواحل خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند و سرزمینهای ماوراء آن، همزمان با بین‌النهرین از هزاره سوم پ.م و حتی پیش از آن وارد دوران تاریخی شده‌اند.^{**}

مکشوفات باستان‌شناختی در تپه کنارصندل نشان می‌دهد که این منطقه در ۶۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پ.م مسکونی و آباد بوده است. (Cultural Heritag...). منطقه جیرفت از ۴۸۰۰ سال پیش، همزمان با تمدنهای مصر و بین‌النهرین وارد دوره تاریخی شد. چهار شهر بافت، جیرفت، عبرآباد و کهنوج، قلب یک پادشاهی بزرگ مقتدر باستانی را تشکیل می‌داد که بیش از چهارصد کیلومتر وسعت داشت. کشف گونه‌ای از قدیم‌ترین شکل‌های خط نشان می‌دهد که این منطقه در زمینه کتابت بیش از سیصد سال از بین‌النهرین کهن‌تر است.^{**}

براساس بررسیهای باستان‌شناسان، این حوزه دارای منابع آب فراوان حاصل از رودخانه هلیل‌رود، خاک حاصل‌خیز و شرایط اقلیمی مناسب برای کشاورزی و منابع معدنی کافی بود (خبرگزاری میراث فرهنگی، ارت...، ۱۳۸۵/۳/۱۶، ص ۱۰۴) که جامعه‌ای مرفه و دارای توانمندی بالای فرهنگی و اقتصادی در آن زندگی می‌کردند. (خبرگزاری میراث فرهنگی، ساکنان تمدن...، ۱۳۸۵). بخشی مهم از نیازمندیهای عمومی بازارهای بین‌النهرین، کارگاههای صنعتی، معبد‌ها و کاخهای

^{**} همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه هلیل‌رود: مجموعه مقالات، جیرفت، ۱۳-۱۵ بهمن ۱۳۸۳. در این همایش برای نخستین‌بار یافته‌ها و داده‌های دانشمندان خارجی و ایرانی درباره تمدن جنوب شرقی ایران، جیرفت و ارتا (ارتا) مطرح و پیوندهای این منطقه با خلیج فارس نیز بررسی شد. برخی از مقالات ارائه شده در این همایش عبارتند از: لوکا پروفیل، «خاستگاه تمدن دیلمون و تأثیر فرهنگی میان خلیج فارس و جنوب شرقی ایران»؛ رحیم ترزی، فرارودان و کرانه‌های خاوری سرزمین پهناور ایران؛ حمیده چوبک، «باستان‌شناسی مگن باستان، گورویای هلنی»؛ فریده معتکف، «سرزمین ارت و حماسه سوم انمرکار»؛ تله تکست صداوسیما، «جیرفت مهد تمدن بشر، کهن‌تر از بین‌النهرین»، ۱۳۸۲/۱۲/۷.

^{**} به سایت اینترنتی زیر نگاه کنید:

سلطنتی شرق باستان به شکل مواد خام اولیه و یا کالاهای تولیدی از این منطقه فراهم می‌شد. (خبرگزاری مهر، کاوش در نه‌های...، ۱۳۸۲).

گلدانهایی با جنس سنگ کلریت و مرمر با نقشهایی از گیاهان و تصویرهای انسانی و حیوانی، کوزه‌های سفالی، انواع مهره‌ها و وسایل تزئینی، مجسمه‌های سنگی به شکل مارها و عقربهای انسان‌نما، مس‌آلات (خبرگزاری جمهوری اسلامی، یک مجسمه...، ۱۳۸۴) و... از این نمونه‌اند. این اشیاء که به طور صنعتی تولید می‌شد از راه آبراههای خلیج فارس و دریای عمان به بین‌النهرین منتقل می‌شد و گاهی تا مصر نیز پیش می‌رفت. (خبرگزاری دانشجویان، خط کشف...، ۱۳۸۴/۱۱/۴) و بازرگانان همواره میان کرانه‌های ساحلی و شهرهای پس‌بندر در حرکت بودند. مقایسه میان نقش و نگارهای ظرفهای سفالی و مهرهای کشف شده در جلگه هلیل‌رود با نمونه‌های هندی و عمان این ارتباط را ثابت کرده است. (خبرگزاری میراث فرهنگی، جیرفت...، ۱۳۸۵). کشفیات باستان‌شناسی، استفاده از بیست و هشت نوع صدف دریایی را در تولیدات منطقه نشان می‌دهد.* اکتشافات هلیل‌رود دانشمندان را هر چه بیشتر به کشف مکان اصلی تمدن ارت (ارتا) که در منابع سومری و اوروک به آن اشاره شده است، امیدوار می‌کند.

در یکی از کهن‌ترین متنهای بین‌النهرین، از برج و باروهای لاجوردی و دیوارهای آجری قرمز رنگ ارت یاد شده است.** (کریم، ۱۳۸۳، ص ۱۲-۲۱ و خبرگزاری میراث فرهنگی، جیرفت قدیمی‌ترین...، ۱۳۸۳). براساس منابع در حدود ۲۵۰۰ پ.م انمرگار، پادشاه اوروک، از صنعتگران ارت خواست تا معبد اینانا را در اوروک بسازند. (Convington, pp. 1-11). گویا گروههایی از

* خبرگزاری میراث فرهنگی، «جیرفتی‌ها پنج هزار سال پیش...»، ۱۳۸۵/۲/۲۸. بررسیهای مارگارتا نمبرگ، گیاه‌باستان‌شناس سوئدی، در جیرفت نشان می‌دهد که اهالی کنارصندل در هزاره سوم پیش از میلاد از بیست و هشت نوع غذای دریایی از جمله انواع صدف استفاده می‌کرده‌اند. همچنین بررسیهای وی نشان داد که درخت خرما زودتر از مناطق دیگر از جمله عراق در این محدوده کاشته شد و به احتمال درخت خرما از این منطقه به عراق و خوزستان منتقل شده است.

** برج و باروی ارت از لاجورد سبز است. دیوارهای آن از آجر قرمز و خاک مورد نیاز برای بناکردن آن از کوههایی آمده است که در آنها سرو می‌روید.

هنرمندان ارت در بین‌النهرین ساکن بودند و به این پیشه می‌پرداختند. (روزنامه ایران، کاوشهای...، ۱۳۸۲). ارتباط میان بین‌النهرین با سرزمین ارت یا جنوب شرقی ایران با وجود فاصله دو هزار کیلومتری (Convington, pp. 61-11)، نشان‌دهنده شناخت راهها، مراکز تمدنی، بازارهای خرید مواد خام اولیه و فروش تولیدات و خدمات هنری، فنی و پیوندهای اقتصادی و فرهنگی برجسته در هزاره‌های پیش از میلاد است.

نتیجه‌گیری

درباره اهمیت و جایگاه استراتژیک سیاسی، اقتصادی و نظامی خلیج فارس در دوران معاصر هیچ تردیدی وجود ندارد. اگرچه پیشرفت کشتیرانی، ورود استعمارگران به منطقه و اکتشاف نفت سبب اهمیت روزافزون خلیج فارس و دریای عمان در سده‌های اخیر شده است، این اهمیت تنها به دوران معاصر و چند سده اخیر مربوط نمی‌شود؛ خلیج فارس از همان سپیده دم تاریخ، از پیدایش تمدنهای درخشان بین‌النهرین و امپراتوریهای آریایی و پیش‌تر از پیدایش خط، اهمیتی فراوان از دیدگاه اقتصادی و ارتباطی داشته است. آثار باستانی یافت‌شده در شهرهای کهن ایران مرکزی نیز نشان می‌دهد که خلیج فارس و دریای عمان در روابط تجاری میان شهرها و مراکز مهم تمدنی ایران با جنوب شرق آسیا، اروپا و آفریقا نقش داشته است. بسیاری از نواحی فرهنگی و تمدنی ایران پیش از حکومت آریایی‌ها در سیلک کاشان، گیان نهاوند، حصار دامغان، شهر سوخته زابل، تل ابلیس، تپه یحیی، شهداد کرمان، شهر قدیم جیرفت و ایلام به نوعی در ارتباط با این نواحی بوده‌اند و با توجه به اینکه از نظر مسافت در نواحی دوردستی نسبت به مناطق ساحلی و جنوبی ایران قرار داشته‌اند، این فرایند اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. خلیج فارس و دریای عمان حلقه ارتباطی میان تمدنهای مرکزی و داخلی با جزایر و بنادر جنوبی ایران و سپس عراق و بین‌النهرین، هند، چین، شرق و جنوب شرقی آسیا، مصر و آفریقای شرقی بوده است. تسلط بر این مناطق استراتژیک ضامن کسب ثروت و قدرت بیشتر برای همه حکومتها و ملتها در ادوار تاریخ بوده است؛ اهمیتی فوق استراتژیک که در گذر زمان بر آن افزوده شده و این فرایند تا روزگار معاصر نیز ادامه یافته است.

کتابنامه فارسی:

۱. آبراهامز، دروتی و دیگران، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، پیوندهای فراسوی زمان و مکان، برگردان: عبدالحسین آذرنگ، تهران: طرح نو، ج ۱، ۱۳۸۲.
۲. آمیه، پیر، تاریخ عیلام، برگردان: شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۳. «ارت»، سرزمین خوشبخت ناشناخته»، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۸۵.
۴. اسمیت، برندا، مصر باستان، برگردان: آزیئا باسائی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۰.
۵. اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی خلیج فارس، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.
۶. اوتس، جون، بابل تاریخ مصور، برگردان: سمیر عبدالرحیم الجبلی، بغداد: دائرة الآثار و التراث، ۱۹۹۰.
۷. ایوانف، م.س و دیگران، تاریخ ایران باستان، برگردان: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: دنیا، ۱۳۵۹.
۸. بختیاری، حسین، «کاوشهای باستان‌شناسی در سیراف»، گزارشهای چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی در ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۵.
۹. «بررسی استاد ساحلی و بنادر و جزایر جنوب»، محله باستان‌شناسی و هنر ایران، س ۳، تابستان ۱۳۴۸.
۱۰. بلک، جرمی؛ گرین، آنتونی، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، برگردان: پیمان متین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۱. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، ج ۱، تهران: توس، ۱۳۶۲.
۱۲. بهمنش، احمد، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی از آغاز تا روی کار آمدن پارس‌ها، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۳. بهنام، عیسی، صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰.
۱۴. بیانی، ملک‌زاده، تاریخ مهر در ایران از هزاره چهارم تا هزاره اول، تهران: یزدان، ج ۱، ۱۳۶۳.
۱۵. پاول تاد، لوئیس و دیگران، سیر تکاملی تمدن، برگردان: هاشم و مجید رضی، تهران: آسیا، ۱۳۴۲.
۱۶. پرادا، ابدت، هنر ایران باستان، برگردان: یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۱۷. بزار، موریس، مأموریت در بندر بوشهر، برگردان: سیدضیاء مصلح، بوشهر: ۱۳۸۴.
۱۸. پرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، ج ۱، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
۱۹. جناب، محمدعلی، خلیج فارس، آشنایی با امارات آن، تهران: مؤلف، ۱۳۴۹.
۲۰. «جیرفت»، دانشنامه آزاد اینترنتی ویکیپدیا.
۲۱. جایلد، گوردون، انسان خود را می‌سازد، برگردان: احمد کریمی، حکاک و محمدهل اثانی، تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
۲۲. جایلد، گوردون، درآمدی کوتاه بر باستان‌شناسی، برگردان: هایده معیری، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۳. چمنکار، محمدجعفر، بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.
۲۴. چمنکار، محمدجعفر، «روابط ایران و عمان در دوره پهلوی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجه، ش ۱۶،

۱۳۸۲.

۲۵. چمنکار، محمدجعفر، «عوامل اثرگذار بر بازرگانی خلیج فارس در عصر مغول»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۲۴-۲۵، ۱۳۸۴.
۲۶. حورانی، جورج، دریانوردی عرب در دریای هند، برگردان: محمدمقدم، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۸.
۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «یک باستان‌شناس، جنوب شرقی ایران ۴۸۰۰ سال پیش وارد دوره تاریخی شده است».
۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «یک مجسمه منحصر به فرد در شهر باستانی جیرفت کشف شد»، ۸۴/۱۱/۱۵.
۲۹. خبرگزاری مهر، «کاوش در تپه‌های باستانی جیرفت اوایل بهمن ماه آغاز می‌شود»، ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.
۳۰. خبرگزاری میراث فرهنگی، «باز شهر سوخته»، ۱۳۸۴/۱۰/۱.
۳۱. خبرگزاری میراث فرهنگی، «تپه سبک در انتظار آزاد شدن»، ۱۳۸۴/۲/۹.
۳۲. خبرگزاری میراث فرهنگی، «جیرفت قدیمی‌ترین تمدن شرق»، ۱۳۸۳/۴/۱۴.
۳۳. خبرگزاری میراث فرهنگی، «جیرفت و شهر سوخته با حوزه سند و بین‌النهرین ارتباط فرهنگی داشتند»، ۱۳۸۵/۲/۱۷.
۳۴. خبرگزاری میراث فرهنگی، «جیرفتی‌ها ۵۰۰۰ سال پیش ۲۸ نوع صدف دریایی می‌خوردند»، ۱۳۸۵/۲/۲۸.
۳۵. خبرگزاری میراث فرهنگی، «خنجرهای مفرغی و ۳۰۰ مهره لاجورد در کنار صندل کشف شد»، ۱۳۸۴/۱۱/۱۴.
۳۶. خبرگزاری میراث فرهنگی، «ساکنان تمدن خاموش اوت زندگی مرفه‌ای داشتند».
۳۷. خبرگزاری میراث فرهنگی، شوش پایتخت تمدن باستانی جهان، ۸۴/۱۰/۲۸.
۳۸. خبرگزاری میراث فرهنگی، «طرح مرمت و حفاظت اضطراری قدیمی‌ترین زیگورات جهان اجرا می‌شود»، ۱۳۸۳/۵/۷.
۳۹. «خط کشف شده روی شی استوانه‌ای شهرستان جیرفت در کشفیات صدسال اخیر باستان‌شناسان بی‌نظیر بوده است»، خبرگزاری دانشجویان ایران منطقه کویر، ۱۳۸۴/۱۱/۴.
۴۰. خوری حتی، ذیلیب، شرق نزدیک در تاریخ، یک سرگذشت پنج هزار ساله، برگردان: قمر آریان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۴۱. دخانیاتی، ع، تاریخ آفریقا، تهران: توکا، ۱۳۵۸.
۴۲. دوران، ویل، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ج ۱، برگردان: احمد آرام، تهران: اقبال، ۱۳۳۷.
۴۳. دوران، ویل، تاریخ تمدن، هند و همسایگانش، ج ۲، برگردان: مهرداد مهرین، تهران: اقبال، ۱۳۴۳.
۴۴. دستخواه، جلیل، اوستا، کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان، ج ۲، تهران: مروارید، ۱۳۷۰.
۴۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، شماره حرف م، بخش اول، تهران: دانشگاه تهران.
۴۶. دباکونف، میخائیل میخائیلویچ، تاریخ ایران باستان، برگردان: روحی اربابی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۴۷. دیویدسن، بریل، *تاریخ آفریقا*، برگردان: هرمز ریاضی و فرشته مولوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۴۸. «راهنمای نمایشگاه دشت لوت، خبیص (شهادت)»، اولین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی در ایران، جشن فرهنگ و هنر، ۱۳۵۱.
۴۹. رضی، هاشم، *گنجینه اوستا*، تهران: فروهر، ۱۳۵۷.
۵۰. رفیع‌فر، جلال‌الدین، «رواج اَبَسیدین و کهن‌ترین تبادلات فرهنگی تکنولوژیکی آن در ایران»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۲، ۱۳۷۰.
۵۱. *روزنامه اطلاعات*، «کشف اسکلت ۱۹۰ انسان در شهر سوخته زابل»، ۱۳۸۲/۱۰/۱۶.
۵۲. *روزنامه شرق*، «زنان ۶۰٪ ساکنان شهر سوخته»، ۱۳۸۴/۱/۱۷.
۵۳. رو، زرژ، *سرگذشت عراق باستان*، برگردان: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان، ۱۳۸۱.
۵۴. ریاضی، محمدرضا، «جاده ابریشم، شکل‌گیری و پیشینه»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش دوم، ۱۳۷۴.
۵۵. زربو، جی.کی، *تاریخ عمومی آفریقا، آفریقا در دوران پیش از تاریخ*، برگردان: احمد بیرشک و مرتضی ناقب‌فر، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۵۶. زرین‌قلم، علی، *سرزمین بحرین از دوران باستان تا امروز*، تهران: کتابفروشی سیروس، ۱۳۳۷.
۵۷. سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، برگردان: فخرالدین محمدتقی فخرداعی گیلانی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
۵۸. سرافراز، علی‌اکبر، *اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در حاشیه خلیج فارس*، میراث لیان، بوشهر: میراث فرهنگی استان بوشهر، ۱۳۸۱.
۵۹. سرافراز، علی‌اکبر، *راهنمای آثار باستانی جزیره خارک*، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۵.
۶۰. سرافراز، علی‌اکبر، «شهر تاریخی دستورا در شوشتر»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۴، ۱۳۴۸.
۶۱. سرافراز، علی‌اکبر، «کشف کاخی از عهد کوروش کبیر در ساحل خلیج فارس»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۸۷، ۱۳۵۰.
۶۲. سرافراز، علی‌اکبر، *گزارش اولین فصل کاوش چرخاب برازجان در استان بوشهر*، میراث فرهنگی بوشهر، ۱۳۸۰.
۶۳. سعیدی، محمد، «خلیج فارس در روزگار باستان»، *سمنار خلیج فارس*، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ج ۱، ۱۳۴۱.
۶۴. «سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۲، ۱۳۶۶.
۶۵. سویشر، کلاریس، *خاور نزدیک باستان*، برگردان: عسکر بهرامی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۶۶. سیدسجادی، منصور، «نگاهی به آثار باستانی بلوچستان از آغاز تا اسلام»، *قسمت دوم، مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۱، ۱۳۶۷.
۶۷. شاملو، غلامعلی، «تمدنهای دره صوغان، کاوشهای تپه یحیی»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۶، ۱۳۵۰.
۶۸. شاملو، غلامعلی، «سخنی درباره الواح تپه یحیی کرمان»، *مجله تلاش*، ش ۲۵، ۱۳۴۹.

۶۹. شاملو، غلامعلی، «کاوش در اطراف بندر میناب»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ۱۳۵۰.
۷۰. شجی، پیردومیر، «ظرفهای سفالین ایلامی (خوزی) در ناحیه شرق فارس»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۷، ۱۳۵۰.
۷۱. «شهر سوخته»، دانشنامه آزاد اینترنتی ویکیپدیا.
۷۲. شی یرا، ادوارد، *الواح بابل*، برگردان: علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۷۳. صادق، مینا، «بررسی روابط فرهنگی و اقتصادی فلات ایران، جنوب ترکمنستان، افغانستان و بین‌النهرین در روزگار باستان»، *یادنامه گروه‌های باستان‌شناسی شوش*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ج ۱، ۱۳۷۶.
۷۴. صراف، محمدرحیم، «تل ابلیس»، *همایش کرمان‌شناسی*، ۱۳۶۹.
۷۵. عباس نژاد، رحمت، «درآمدی بر هنر و صنعت فلزکاری شهر سوخته»، *مجله علوم انسانی*، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
۷۶. عبدی، کامیار، «تمرکزگرایی و بخش‌گرایی در سیستم‌های حکومتی: حکومت عیلام در دشت شوشان در هزاره دوم ق.م»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۱، سال ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۷۷. عبدی، کامیار، «دیلمون، مکن و ملرخ»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۲، ۱۳۷۰.
۷۸. فرای، ریچارد، *میراث باستانی ایران*، برگردان: مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۷۹. قائم‌مقامی، سیف‌الدین، «چند نمونه از آثار کهن جزیره خارک»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۵، ۱۳۵۲.
۸۰. کابلی، میرعابدین، *شهداء، شهرهای ایران*، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۸۱. کاژدان، آ، و دیگران، *تاریخ جهان باستان شرق*، ج ۱، برگردان: محمدباقر مؤمنی و دیگران، تهران: اندیشه، ۱۳۷۹.
۸۲. کالدول، ژوزف، *تل ابلیس، سلسله جبال کرمان و ابتدای ذوب فلز*، برگردان: صادق ملک شهیمیرزادی، تهران: سازمان زمین‌شناسی کشور، ۱۳۴۴.
۸۳. کامبخش فرد، سیف‌الله، *سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران: ققنوس، ۱۳۷۹.
۸۴. کامران مقدم، شهبان دخت، *تاریخ کشورهای همجوار ایران*، ج ۲، تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۵۶.
۸۵. کامرون، جورج، *ایران در سینه‌دهم تاریخ*، برگردان: حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۸۶. «کاوش و تفحصات باستان‌شناسی در استان ساحلی خلیج فارس»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۱۰ و ۱۱، زمستان ۱۳۵۱.
۸۷. «کاوشهای باستان‌شناسی جیرفت، صادرات در ۴۸۰۰ سال پیش»، *روزنامه ایران*، ۱۳۸۲/۱۲/۴.
۸۸. کردوانی، محمود، «زیگورات جغازنبیل»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ج ۵، ۱۳۴۹.
۸۹. کریمر، ساموئل، *الواح سومری*، برگردان: داود رسانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۹۰. کلارک، گراهام، *جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو*، گروه مترجمان، تهران: دنیای مادر، ۱۳۷۹.
۹۱. کورتیس، جان، *ایران باستان به روایت موزه بریتانیا*، برگردان: آذربصیر، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.

۹۲. کوروفکین، فنودور، ب. تاریخ شرق باستان، برگردان: غلامحسین متین، تهران: محور، ۱۳۷۸.
۹۳. کیهان، مسعود، «جغرافیای طبیعی خلیج فارس»، سمینار خلیج فارس، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ج ۱، ۱۳۴۱.
۹۴. گیرشمن، رمان، ایران از آغاز تا اسلام، برگردان: محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۹۵. گیرشمن، رمان، «جزیره خارک»، سمینار خلیج فارس، ج ۲، ۱۳۴۱.
۹۶. مالوان، م. ا. ل. بین‌النهرین و ایران باستان، برگردان: رضامستوفی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۹۷. ماهری، محمودرضا، تمدنهای نخستین کرمان، مجموعه مقالات همایش کرمان‌شناسی، کرمان: ۱۳۶۹.
۹۸. ماهری، محمودرضا، «تمدنهای نخستین کرمان»، همایش کرمان‌شناسی، ۱۳۶۹.
۹۹. مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۱۰۰. مجتهدزاده، پیروز، نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس (ایرانیان در خلیج فارس)، تهران: سپهر، ۱۳۷۶.
۱۰۱. مجتهدزاده، یوسف، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۱۰۲. مجتهدزاده، یوسف، «آب‌ارت خاستگاه تمدن سومری است، مدارک جدید از کناره هلیل رود، استان کرمان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱، س ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
۱۰۳. مجتهدزاده، یوسف، «پیکره‌ای سومری در خارک»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۲ و ۱، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶.
۱۰۴. مجتهدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۱۰۵. مجتهدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج ۳.
۱۰۶. مجتهدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، تهران: نشر دانشگاهی، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۰۷. مرزبان، پیروز، خلاصه تاریخ و هنر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۰۸. «مروری بر تاریخ نقشه‌برداری جغرافیایی»، مجله دانشمندان، ش ۱۰، تابستان ۱۳۶۱.
۱۰۹. مستوفی، احمد، «خلیج فارس، ساختمان و پیدایش آن»، سمینار خلیج فارس، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ج ۱، ۱۳۴۱.
۱۱۰. مشکور، محمدجواد، نام خلیج فارس در طول تاریخ، به مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۵.
۱۱۱. مصطفوی، محمدتقی، اقلیم پارس، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۳.
۱۱۲. مغول، محمدرفیع، «پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران در دوران پیش از تاریخ»، برگردان: سیدمنصور سیدسجادی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱، ۱۳۶۹.
۱۱۳. مک کال، هنریتا، اسطوره‌های بین‌النهرین، برگردان: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۱۱۴. ملک شه میرزادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۱۵. ملک شه میرزادی، صادق، تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات و روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، بخش دوم از ج ۱، ۱۳۷۵.
۱۱۶. ملک شه میرزادی، صادق، مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، تهران: مارلیک، ۱۳۷۵.

۱۱۷. موسکاتی، سابوتینو، فینقی‌ها، برگردان: رقیه بهزادی، تهران: پژوهنده، ۱۳۷۸.
۱۱۸. مهدوی، عزیزه، «نتایج چند از تجزیه اَبسیدین در بعضی محوطه‌های باستان‌شناسی ایران»، گزارشهای سومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۳.
۱۱۹. مؤمن‌زاده، مرتضی و محسن فرجاد باستانی، «مروری بر آثار معدنکاری باستانی در خطه کرمان»، همایش کرمان‌شناسی، کرمان: ۱۳۶۹.
۱۲۰. ناردو، دان، امپراتور آشور، برگردان: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: فتنوس، ۱۳۸۱.
۱۲۱. نشأت، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: کانون کتاب، ۱۳۴۴.
۱۲۲. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۲۳. نگهبان، عزت‌الله، شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
۱۲۴. نگهبان، عزت‌الله، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
۱۲۵. واین، هاروی؛ بانگ، کایلر، «بازرگانان شوشی»، برگردان: یوسف مجیدزاده، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱، ۱۳۶۶.
۱۲۶. وزارت الثقافة والاعلام، الجمهورية العراقية، ۱۹۹۰.
۱۲۷. ولز، هربرت جورج، کلیات تاریخ، برگردان: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، ۱۳۶۵.
۱۲۸. ولی‌پور، حمیدرضا، «بایگه‌های تجاری آغاز عیلامی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش اول، ۱۳۸۰.
۱۲۹. ویلسون، آرنولد، خلیج فارس، برگردان: محمد سمیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۱۳۰. هارت، فردریک، سی و دو هزار سال تاریخ هنر، برگردان: موسی اکرمی و دیگران، تهران: پیکان، ۱۳۸۲.
۱۳۱. هارنمن، گرتروود، سازندگان دنیای کهن، برگردان: حسن مرتضوی، تهران: آگاه، ۱۳۸۰.
۱۳۲. هاولی، دونالد، دریای پارس، سرزمین‌های سواحل متصالح، برگردان: حسن زنگنه، مرکز بوشهرشناسی باهمکاری انتشارات همسایه، ۱۳۷۷.
۱۳۳. هرتسلفد، ارنست، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، علی‌اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
۱۳۴. هردوت، تواریخ، برگردان: غ. وحید مازندرانی، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷.
۱۳۵. همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه هلیل‌رود، مجموعه مقالات، جیرفت، ۱۳۸۳.
۱۳۶. هینتس، والتر، دنیای گمشده عیلام، برگردان: فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۳۷. یارشاطر، احسان، تاریخ ایران کمبریج، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، برگردان: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ج ۳، قسمت دوم، ۱۳۷۷.

کتابنامه لاتین:

138. *Absolute Astronomy Reference Dilman Encyclopedia.*

139. Alweis, Frank and others; *New Dimensions of World History*, American Book Company,

1964.

140. Chatto Padhyaya, Brajadulal; *Studing Early India, Archaeolog, Texts and historical Issues*, Permanent Black, India, 2003.
141. Convington, Richard; Jiroft and Aratta kingdom; the Circle of ancient Iranian Studies, www.Caissoas.com.
142. *Cultural Heritage News Agency*, New discoveries in Jirft May Change history of civilization, www.CHN.ir/ch/news
143. Habib, Irfan; *Prehistory: people's history of India*, Tulika Books, New Delhi, 2005.
144. Habib, Irfan; *The Indus Cirilization: A People history of India*, Tulika Books, New Delhi.
145. Longriyg, Stephen. H; *The Middle East, a Social geography*, Jerald Duckworth Co. Ltd, London, 1963.
146. Medow, Richard. H and Others; Explorations in Oman, 1973 and 1975, *Proceedings of the Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, Tehran, 1975.
147. *P.D.O News Magazine*, Oman, 1995.
148. Pezard, Maurie; *Misso de Bender Bouchir, Documents Archeologyigues et Epira Phigues*, Paris, Ernest Leroun, 1914.
149. Stein, Sir Aurel; *Archaeological Reconnaissances in North-Western India and Iran*, London, 1973.
150. Thapar, Romila; *Cultural Pasts, Essays in Early Indian history*, Oxford University Press, India, 2003.
151. <http://fa.wikipedia.org>.
152. <http://daneshnamehroshd.org>
153. <http://www.Iranyad.com>
154. <http://www.khabarnegar.org>.
155. http://www.mehrnews.com/fa/News_Details.
156. <http://www.kermanmiras.org/tappeha/tappeh.yahya>
157. http://www.Iran-news_paper.com
158. <http://nydir.ir/minemineral>
159. <http://www.Irandeserts.com/shahdad>
160. <http://www.tebyan.net>
161. <http://www.chn.ir/ch/news>
162. <http://jirna.ir/fa/news>

سایتهای اینترنتی:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی